

زنده باد انقلاب!



یکی از دیوار نویسی های تهران در قیام آبان ماه مبارک



ارتش گرسنگی راه می رود

تا دلی از عزای آزادی در آورد

راه می رود، پل ها را در می نوردد، چون دم

شمشیر می بُرد

راه می رود، درهای آهنین را می درد، حصار

دژها را واژگون می کند

پای در خون راه می رود.

...

ارتش گرسنگی راه می رود

با گام های تند

با سرودهای آتش

با امید به بیرق شعله شکش

با امید به امید.

...

ارتش گرسنگی راه می رود

راه می رود تا گرسنگان را نان دهد.

تا آزادی دهد بدانها که ندارند

پای در خون راه می رود.

ناظم حکمت

اشرف دهقانی

خشم توده ها جز با آتش به جان خصم.

خاموشی نمی گیرد

اکنون باز باید کارگران، زحمتکشان، توده های تحت ستم ایران، جوانان پرشور و انقلابی را خطاب قرار دهیم و بگویم که شما با مایه گذاشتن از جان خود، فداکارانه دست به قیام قهرمانانه ای زدید و با این عمل شجاعانه، بر پیکر ازدهانی که راه چشمه آب حیات خلق های ایران را سد نموده ضربات جانکاهی زدید. این دستاورد و پیروزی شماست. اما، این ازدهانی که در ظاهر قدر قدرت به نظر می رسد هیولای بیمار افتاده در بستر مرگ است که شما با اقدامات انقلابی خود، این پیکر هیولائی درمانده را قدمی دیگر به مرگ محتوم خویش نزدیک تر ساختید. دستاورد و پیروزی شما، همانا تأثیرات مبارزاتی ای است که بر روی ستمپدگان در ایران و جهان بر جای گذاشتید. این حقیقت را خون زنان و مردان انقلابی که در این قیام با گلوله های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بی رحمانه بر زمین ریخته شد، گواهی می دهد. در این جا با گرمی داشت یاد پر عظمت آنان، همدردی عمیق خود را با بازماندگان جانباختگان این قیام مردمی اعلام می کنم. این خون ها به هدر نمی روند، بلکه چنان تعهد و انرژی انقلابی در وجود ستمپدگان وارد به استخوان رسیده ما ایجاد می کنند که دشمن از همین امروز از تصور انتقام بی امان این ستمپدگان، بر خود می لرزد. نباید فراموش کنیم که:

"قهر ضد انقلابی را تنها با قهر انقلابی می توان پاسخ داد" و "تنها یک خلق مسلح قادر به آزاد زیستن است"....

در صفحات دیگر

• توده گرسنه، برای "نان، کار،

آزادی" برخاسته است! ۲

• جمهوری اسلامی، سپر بلای

امپریالیسم در عراق ۸

• اعلامیه های سازمان در صفحات

..... ۱۲، ۱۵ و ۱۸

• آکسونهای فعالین سازمان در

حمایت از خیزش مردمی، در

صفحات ۳، ۱۱، ۱۶ و ۲۰

• شیلی به پا خاسته است ۱۳

• به یاد بهروز دهقانی ۱۹

سرمقاله

توده گرسنه برای "نان، کار، آزادی" برخاسته است!

این بخش از "محتاجان" چه می تواند باشد؟

افزایش مرگبار قیمت سوخت به رغم تمامی عوامفریبی های جمهوری اسلامی در توجیه عملی نمودن آن در لحظه حاضر، گام دیگری در چارچوب یک برنامه کلان اقتصادی و سیاست "جراحی اقتصادی" می باشد که از سوی سرمایه داران غارتگر جهانی و نهادهای اقتصادی آنان مثل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در اقتصاد وابسته و بحران زده ایران طراحی شده است. هدف این سیاست مرگبار هر چه مطلوبتر نمودن شرایط استثمار و غارت نیروی کار و منابع طبیعی موجود در بازار ایران برای سرمایه های غارتگر امپریالیستی و پر تر کردن جیب سرمایه داران حاکم بر ایران می باشد که با لاف های پر طمطراقی نظیر "اصلاح" در ساختار اقتصادی و گسترش "بازار آزاد" و تشویق "خصوصی سازی" با ادعای ایجاد "رشد اقتصادی" طراحی شده است. این برنامه اهریمنی که شرایط را برای غارت منابع طبیعی و نیروی کار ارزان توسط سرمایه های امپریالیستی تسهیل می سازد، در همه کشورهای تحت سلطه امپریالیستها نظیر ایران باعث گسترش فقر و فلاکت و بیکاری و گرسنگی و قیر خوابی و فحشاء و غیره گشته تا جایی که توده های فرودست برای سیر کردن شکم خود به زباله گردی روی آورده اند.

اکنون جمهوری اسلامی در شرایطی مجبور به اجرای این طرح گشته است که در شرایط بحرانی غیر قابل انکاری به سر می برد، اوضاعی که برخی مشخصه های آن فشار تحریم های اعمال شده از طرف آمریکا (در چهارچوب سیاست "ایران هراسی" و در رقابت با امپریالیستهای رقیبش) و عواقب سیاستهای مملکت بر باد ده این رژیم چون صرف ده ها میلیارد دلار به منظور حمایت از سگان زنجیری امپریالیسم در کشورهای منطقه مثل عراق و سوریه و یمن و لبنان، و همچنین دزدی و غارت خزانه کشور از طرف خود

زمانی که این نشریه برای چاپ آماده می شد، بار دیگر خبر امید بخش انفجار خشم توده های به جان آمده در شهرهای استان های سراسر ایران (در خبرها از آن بیش از صد شهر نام می برند) علیه ظلم و استبداد رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی همچون صاعقه ای آسمان پر التهاب میهن ما را درنوردید و بارقه های امید به تغییر وضع جهنمی موجود را بر دل تمامی محرومان و ستمدیدگان ایران و منطقه افشاند. افزایش ۳۰۰ درصدی نرخ بنزین، که در چارچوب سلطه نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم و حاکمیت یک اقتصاد انگلی بر کشور ما معنایی جز یک جهش سرسام آور دیگر در روند صعودی گرانی و تورم و بیکاری و در نتیجه چشم انداز سقوط زندگی محنت بار میلیونها تن دیگر از کارگران و زحمتکشان به مرداب فقر و نابودی ندارد، انداختن آتشی دیگر به انبان باروت خشم و نفرت فروخورده توده ها بود و آنها را واداشت تا برغم سلطه اختناق و سرکوب وحشیانه حکومت بار دیگر با مایه گذاردن از جان خود، خیز بلند دیگری برداشته و برای نابودی هیولای جمهوری اسلامی و تحقق شعار نان، کار، آزادی به مصاف با آن بروند.

حکومت ادعا می کند که یورش به سفره محقر گرسنگان به منظور غلبه بر "کسری بودجه" بالایی هاست. اما مگر مردم ما کوچکترین نظارتی بر عواید نجومی دولت و شیوه های مصرف آن در برنامه های حکومت دارند که اکنون باید جبران مافات کسری آن را بکنند؟ ادعا می کند که با عوایدی که از گران کردن بنزین به دست می آورد به محتاجان یارانه خواهد پرداخت. اما مگر با گران شدن بنزین دیگر کالاها نیز گران نمی شوند، پس این یارانه به چه کار محتاجان می آید. تازه قشر وسیعی از جامعه امروز یا با موتور کالاهائی را جابجا می کنند و یا مسافركشی می کنند و یا در حاشیه شهرها زندگی می کنند و برای کار در شهر مجبورند ماشین سوار بشوند. تأثیرات مخرب گرانی بنزین روی کار زندگی

دست اندر کاران رژیم می باشد. این واقعیت که خود حاصل وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم و پیشبرد سیاست های امپریالیستی از طرف این رژیم در منطقه و به طور کلی نتیجه حاکمیت یک رژیم ضد خلقی در ایران می باشد، تأثیرات فاجعه باری را بر زندگی توده ها بر جای گذاشته و شرایط مرگباری را موجد شده که کمر آنها را خم نموده است. شدت این اوضاع بحرانی چنان است که روحانی فربکار نیز به آن اعتراف نموده و فریاد می زند رژیمش هیچ گاه در چنین وضع وخیمی به لحاظ اقتصادی قرار نداشته و پولی در بساط (البته برای مردم) ندارد. اما، چنین اوضاع غیر قابل تحملی ست که گرسنگان و محرومان را بار دیگر برای دفاع از بقای خود و خانواده های گرسنه شان و برای تغییر سرنوشت و زیر و رو کردن مناسبات ارتجاعی حاکم، به صحنه رزم با حافظان و گرمکان نظام حاکم کشانیده است. به صورتی که زنگنه، وزیر نفت بی شرم ارتجاع حاکم مطرح کرد، رژیم تا حد "تحمل توده ها" گران کردن بنزین را در برنامه خود گذاشته بود ولی ابعاد و شدت قیام خشمناکین توده های ما به آنان خیلی زود احتساب غلطشان از "تحمل" و قدرت توده ها را آشکار ساخت.

اکنون و در این روزهای سرنوشت ساز، توده ها یکبار دیگر وارد نبرد مرگ و زندگی با دشمنان تا بن دندان مسلحشان شده اند و با فداکاری و از جان گذشتگی با دست خالی و یا با چوب و سنگ به دفاع از شرف و انسانیت و حقوق خود پرداخته اند و با فریاد "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر روحانی"، "مرگ بر اصل ولایت فقیه"، "مرگ بر وطن فروش خائن"، "می میریم، ذلت نمی پذیریم"، "به پا خیز منجی خود تو هستی"، و... ده ها شهر اشغال شده میهنمان را به جبهه های جنگ گرسنگان با غارتگران بدل کرده اند. جوانان عاصی و مبارز در خطوط مقدم این جبهه به مزدوران رژیم یورش می برند، آنها هر جا که توانسته اند در پاسخ به قهر ضد انقلابی گزمه های رژیم، و در پاسخ به زورده عملی های "اصلاح طلب حکومتی" و غیر حکومتی که از قیام کنندگان پیشروانه می خواهند در مقابل قهر و گلوله و خشونت حیوانی اعمال شده از سوی حکومت، "مسالمت" و آشتی نشان دهند، مراکز سرکوب نظیر کلانتری ها و بسیج، مراکز غارت نظیر بانکها و موسسات مالی و نهادهای نشر ایدئولوژی ضد انقلابی طبقه حاکم مثل دفاتر امام جمعه و مراکز اسلامی را با خاک یکسان کرده و به تلی از خاکستر بدل کرده اند. خروش گرسنگان زمین را بار دیگر در زیر پای حاکمان استثمارگر و سرکوبگر لرزانده و آنها اعتراف می کنند که "عمق"

گزارش تظاهرات در همبستگی با خیزش توده ها در ایران

استکهلم - سوئد



در تداوم حرکات و تظاهرات حمایتی هموطنان خارج کشور از قیام مردم، روز یکشنبه ۱۷ نوامبر ۲۰۱۹ تظاهراتی در دفاع از خیزش توده های رنجیده کشورمان در میدان "سرگل" استکهلم برگزار شد. در این حرکت اعتراضی شرکت کنندگان علیه سرکوبگری های رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی شعار داده و خواهان بسته شدن سفارت جمهوری اسلامی در سوئد شدند. در جریان این آکسیون سرود آفتابکاران جنگل بطور دسته جمعی از سوی تظاهر کنندگان خوانده شد. در این حرکت فعالین چریکهای فدایی خلق ایران با حمل آرم سازمان شرکت داشتند.

جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد!
پیروز باد رزم دلاورانه توده های بیخاسته در ایران علیه ظلم و استثمار!
سازمان هواداران چریکهای فدایی خلق ایران در استکهلم - سوئد
 ۱۷ نوامبر ۲۰۱۹

تورنتو: گزارش تظاهرات در دفاع از قیام ستمدیدگان ...

از صفحه ۲۰

ستم کشورمان ایراد گشتند که با استقبال عابرین و مردم محل روبرو شدند. یکی از نکات قابل توجه در حرکت این روز، این واقعیت بود که سازمانهای سیاسی گوناگون با خطوط فکری کاملاً متضاد نیز در همین ساعت در چهارچوب برنامه های خود در این محل اعلام تظاهرات کرده بودند. در این چارچوب، هنگامی که تظاهر کنندگان به محل رسیدند با حضور سلطنت طلبانی مواجه شدند که این روزها دوباره بوی کباب به مشامشان خورده و به امید واهی بازگشت حکومت وابسته پهلوی و بازماندگان جنایتکارش به قدرت، با سازماندهی و برنامه ریزی قبلی و خارج از اراده نیروهای مبارز در کشورهای مختلف، در محل تجمعات ایرانی های مخالف رژیم حضور می یابند. آن ها که در فضای مجازی و فضای تبلیغاتی ای که بلندگوهای تبلیغاتی ارتجاعی و وابسته، آشکارا به آن ها می دهند تحرکات جدیدی نیز پیدا کرده اند، هر جا که فرصت کنند، به رغم تکرار شعار "مرگ بر جمهوری اسلامی" به تهدید کمونیستها و مبارزین مخالف سلطنت پهلوی می پردازند. این واقعیتی ست که از این پس نه تنها در تورنتو بلکه در هر نقطه دیگری که سازمان های مبارز و انقلابی حضور دارند در مقابل نیروهای مردمی قرار خواهد گرفت و برخورد صحیح با آن پیش از هر چیز اتحاد بین نیروهای انقلابی برای مستقل نگاه داشتن صف انقلاب در برابر ضد انقلاب را می طلبد.

تظاهرات تورنتو که در حمایت از قیام مردم ایران در بیش از صد شهر کشور سازمان داده شده بود، حقانیت مبارزات مردم ما جهت سرنگونی جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته را در انظار مردم محل بار دیگر به نمایش گذاشت.

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در تورنتو - کانادا
 ۱۹ نوامبر ۲۰۱۹

رزمندگان این قیام و پیام بیکار آنها با اهریمنان حاکم را به گوش جهانیان برسانیم و آنان را در مسیر نابودی اهریمنان حاکم یاری دهیم.

جامعه آزادی که در آن "نان، مسکن و کار و آزادی" برای همگان تضمین شده باشد یک وظیفه مبهم مبارزاتی ست. برخیزیم و در حد توان صدای

خیزش اخیر حتی از عمق قیامهای مردمی قبلی در سال ۸۸ و ۹۶ بیشتر بوده است. تا جایی که خبرگزاری فارس می نویسد: "گزارش میدانی خبرنگاران ما از سراسر کشور نشان می دهد که "اشرار و ضد انقلاب" (بخوان توده محرومان به قیام برخاسته) "با گستره کمتر اما عمق بیشتر خسارات و خرابکاری داشتند" این خبرگزاری حکومتی سپس در توضیح "عمق بیشتر" خیزش مردم به حملات آنها به نهادهای سرکوبگر و به آتش کشیدن ادارات دولتی و بانکها و حمله به حوزه های علمیه و کلانتری ها و گشودن آتش به سوی مزدوران رژیم در برخی موارد، اشاره می کند. اعترافی که در واقع از عمق و شدت خشم استثمارشوندگان از دژخیمان حاکم و واکنش طبیعی شان در مقابل شدت ظلم و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی خبر می دهد.

در روزهای گذشته ده ها تن از توده های بی گناه و جویای حق خویش، به دستور رهبران حکومت مزدور حاکم با آتش گلوله مستقیم دژخیمان رژیم کشته شده اند، تعداد بی شماری مجروح و چند هزار نفر از تظاهر کنندگان خواهان عزت و شرف انسانی توسط ضد خلقیان حاکم دستگیر شده اند - که البته خود ایادی رژیم به دستگیری بیش از ۱۰۰۰ تن اعتراف می کنند.

یاد جانبختگان این قیام مردمی را پاس داریم و فداکاری این توده عظیم به پا خاسته را با تمام توان ارج گذاری کنیم. به جوانان مبارز در صحنه، این پیام مهم مبارزاتی که صحتش در تمام خیزش های سالهای اخیر به طور آشکار ثابت شده را برسانیم که در مقابل یک حکومت تا بن دندان مسلح که کمترین ندای مخالف را بر نمی تابد و تنها زبان زور و گلوله را می فهمد باید به سازماندهی خود پرداخت، متشکل شد و با یک برنامه مناسب و سلاح موثر به نبرد پرداخت. زیر پرچم "تشکل، تسلیح، اتحاد، مبارزه، پیروزی" امکان پیروزی مبارزات دلاورانه کنونی و چشم انداز پیروزی را می توان فراهم نموده و در مقابل توده های به میدان آمده قرار داد. تشکیل هسته های سیاسی- نظامی و دست زدن به عملیات پارتیزانی یا همان چریکی، گام نخستین برای پاسخ به ضرورت شکستن بن بست کنونی و تغییر موازنه به نفع میلیونها تن از استثمار شدگانی ست که با هدف براندازی نظام ضد خلقی حاکم برخاسته اند. مقابله با زور سازمانیافته حکومت و نیروی سرکوبش در مسیر سازماندهی قدرت و تجهیز نیروی بنیان برافکن توده های متحد تنها راه رهایی کارگران و زحمتکشان ماست. در خارج از کشور، دفاع از قیام توده های رنجیده که برای رسیدن به

اشرف دهقانی

خشم توده ها جز با آتش به جان خصم خاموشی نمی گیرد!



کارگران، زحمتکشان، توده های تحت ستم ایران، جوانان پرشور و انقلابی!

دروغ بی کران بر شما باد که با برافروختن شعله های پرفروغ قیام علیه چهل سال ظلم و خفقان و دیکتاتوری، نوید رهائی می دهید و امید به برپائی جامعه ای عاری از ستم و استثمار و دار و شکنجه را در دل ستمدیدگان سراسر ایران روشنی می بخشید. درود بر شما که امروز قهرمانانه با نیروهای مسلح ضد انقلاب جمهوری اسلامی به جنگی انقلابی برخاسته اید. این نبرد سلحشورانه و این قهر انقلابی شما تا سوزاندن ریشه همه جنایت ها و پلیدی ها که همانا سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران است، پایدار و پیروز باد!

در هر خیزش انقلابی توده ها که گاه به یک انقلاب بزرگ اجتماعی فرا می روید، عاملی به عنوان یک جرقه، باروت خشم و نفرت توده ها علیه وضع ظالمانه و طاقت فرسای حاکم را به حد انفجار رسانده و آن ها را برای سرنگونی رژیم حاکم و تحقق خواسته های برحق و انقلابی شان به میدان نبرد قاطع با دشمنان می کشاند. امروز در ایران، سه برابر کردن قیمت بنزین که معنایش تعرض بی رحمانه دیگری از طرف جمهوری اسلامی به سفره خالی کارگران و زحمتکشان و به معیشت همه توده های تحت ستم ایران و تحمیل یک مرگ تدریجی به آنان می باشد، نقش همان جرقه را بازی کرد.

حرکت های مبارزاتی که در ۲۴ آبان ماه سال جاری، در تهران و برخی از شهرها در شکل خاموش کردن ماشین ها در خیابان ها، بستن جاده ها و بعد آتش زدن پمپ بنزین ها به منظور اعتراض به گران شدن بنزین آغاز شد، امروز که این سطور نوشته می شود به یک جنگ تمام عیار بین توده های انقلابی و نیروهای مسلح ضدانقلابی جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

به خودکشی کرده اند - به خانواده هایشان تحویل می دادند. با این حال ادعای رژیمیان آن بود که کسی را نکشته اند. اکنون، در نیمه دوم سال ۱۳۹۸ جمهوری اسلامی خود را در چنان شرایط ضعف و استیصال می بیند که حتی قادر به استتار دستان خون آلود خویش و نقاب زدن به چهره جنایت بارش نیست، و به همین خاطر با درماندگی، دستور زدن تیر مستقیم به توده های بی سلاح معترض را می دهد. این رژیم به این ترتیب رسوائی خود را با چنان برجستگی به نمایش گذاشته است که حتی سازشکارترین افراد و نیروهای سیاسی هم قادر به توجیه اعمالش نیستند. مشاهده این حد از وحشیگری پلیس (یگان های ضد شورش) که نام بی مسمای نیروی انتظامی روی آن گذاشته شده، در آغاز برای توده ها شوکه آور بود به طوری که در برخی ویدئو ها دیده می شود که آن ها با شگفتی می گویند، بین! نیروی انتظامی شلیک کرد! گلوله مشقی نبود! کشتند! آشکاری تیراندازی به سوی مردم غیر مسلح از طرف آن مزدوران تا آن جاست که امروز شاهدان عینی در شهرهای مختلف گواهی می دهند که نیروهای مسلح جمهوری اسلامی کاملاً به قصد کشت به سوی مردم تیراندازی می کنند. مطرح می کنند که نیروهای انتظامی به صرف تجمع و سردادن شعار، مردم معترض را نشانه گرفته و گلوله به سوی آن ها شلیک می کنند. خانم کارمندی در اصفهان می گوید: "مأموران با اسلحه ما را می زنند، ما فرار کردیم. انگار دارند پشه می کشند. جان ما آدم ها یک پر برایشان ارزش نداره... مسأله فقط بنزین نیست. همه چیز گرونه، گوشت، مرغ، بچه هام گرسنه اند، نمی توانم زندگیمو بچرخونم". وحشی گری مزدوران مسلح و تیراندازی مستقیم آن ها به سوی مردم از چنان ابعاد بر خوردار است که علیرغم قطع اینترنت، قابل کتمان نیست و در ویدئوهائی که منتشر شده اند، به طور آشکار نشان داده می شوند.

به گفته خامنه ای یعنی رأس دیکتاتوری حاکم، تصمیم به سه برابر کردن قیمت بنزین با تأیید وی توسط روسای سه قوه مقننه و قضائیه و مجریه اتخاذ شد. اما در کنار این تصمیم، چگونگی توجیه آن جهت فریب توده ها از یک طرف و چگونگی مقابله با اعتراضات توده ای کاملاً قابل پیش بینی، از طرف دیگر مطرح بود. از مورد اول که فعلاً بگذریم، عملکرد نیروهای مسلح رژیم که از همان روز اول با خشونت به صف تجمعات اعتراضی کاملاً مسالمت آمیز مردم یورش برده و به راحتی به سوی توده های غیر مسلح آتش گشودند، شکی باقی نگذاشت که سران جنایتکار رژیم پیشاپیش با وقوف به شدت خشم و نفرت توده ها از خود و پیش بینی اعتراضات خشمناکین آنان نسبت به تعرض رژیم به معیشت شان، فرمان تیراندازی به توده ها و به خاک و خون کشیدن آن ها را به نیروهای مزدور مسلح خود ابلاغ کرده بودند. جمهوری اسلامی که یک بار در دهه ۶۰ با کشتار توده ها در کوچه و خیابان و در زندان های مخوف خود و بعد با قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۴۷ چهره شدیداً جنایتکار و ضد خلقی خود را در سطحی کاملاً گسترده به مردم ایران نشان داده بود، بعدها علیرغم تداوم جنایات و کشتارهای آشکار و پنهان توده های تحت ستم، سعی می کرد حتی چهره اصلاح طلب هم به خود بدهد. البته حرکت های مبارزاتی توده های انقلابی ایران هیچوقت اجازه چنین فریبکاری را به رژیم ندادند. در جریان خیزش های توده ای سال های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۶ نیروهای مسلح مزدور تا آن جا که توانستند دست به کشتار مردم زدند و بی محابا خون توده گرسنه به شورش برخاسته را بر زمین ریختند. دو سال پیش در جریان جنبش انقلابی ۱۳۹۶ که علاوه بر کشتار در خیابان، توده وسیعی را دستگیر و زندانی نمودند پس از کشتن خیلی از آن ها در زیر شکنجه، با وقاحت و رذالت تمام، جسد های سوخته شان را برای ایجاد ترس و وحشت - گاهی با این عنوان که در زندان

خشونت هستند مردم را از هر گونه توسل به قهر انقلابی باز می دارند. انگار که اعمال قهر ضد انقلابی و خشونت ضد انقلابی از طرف حکومت امری طبیعی و حق آن هاست و گویا تنها مردم نباید و حق ندارند به دفاع از خود برخاسته و به اعمال قهر متوسل شوند! دلیل چنین برخوردی از طرف دشمنان مردم آشکار است. منافع طبقاتی آنان ایجاب می کند که به هر ترتیب به تداوم شرایط استثمار وحشیانه نیروی کار و پیشبرد سیاست های امپریالیستی در ایران کمک نموده و در حفظ وضع ظالمانه حاکم بکوشند. اگر خوب توجه کنیم می بینیم که اساساً باز داشتن توده ها از اعمال قهر انقلابی علیه دشمنانشان، تکمیل سرکوب های وحشیانه حکومت است که به همان منظور حفظ وضع ظالمانه حاکم و به عقب راندن و به تسلیم و داشتن توده ها و وادار کردن آن ها به پذیرش ذلت (توده ها در شعار هایشان فریاد می زنند که ذلت نمی پذیرند)، صورت می گیرد. البته در این میان نیروهای بینابینی هم وجود دارند که اسیر توهّمات خود بوده و حداکثر برای بهبودی اوضاع دست به شکایت می برند و بر آنند که حکومت به صرف شکایات و درخواست های مسالمت آمیز آنان (البته درخواست مسالمت آمیز در خانه های خود! والا وقتی پا در خیابان بگذارند نا خواسته با خشونت نیروهای مسلح رژیم مواجه خواهند شد) وادار به عقب نشینی خواهد شد و از رژیم می خواهند حالا که قیمت بنزین را سه برابر کرده است، مقداری هم به حقوق ها اضافه کند. این دسته، حرف های اصلاح طلبان را می زنند و آگاهانه یا نا آگاهانه به تداوم وضع موجود کمک می کنند. نمایندگان فکری این بخش بینابینی و متوهم در جنبش کمونیستی، اپورتونیست نامیده می شوند که اگر چه در صف نیروهای خلق قرار دارند ولی با اعمال و رفتارشان و امروز مشخصا با عدم پشتیبانی از قهر انقلابی توده ها و با عدم تأکید بر ضرورت و حقانیت توده ها در مسلح کردن خود و جنگ با دشمنانشان، خدمتگزار جبهه دشمن می باشند.

توضیح این امر که چرا جمهوری اسلامی علیرغم وقوف به فقر و مشکلات جدی اقتصادی مردم - که اتفاقاً در سخنرانی های سران حکومت هم به آن اعتراف می شود - و پیش بینی حرکت های شدید اعتراضی آنان، اقدام به سه برابر کردن قیمت بنزین و از این طریق به گران تر کردن دیگر کالاها نمود، موضوع اساسی دیگری است که چگونگی تحلیل آن با توجه به نتایج عملی حاصل از آن تحلیل خط مرزی بین دوستان واقعی مردم و آنهایی که سد راه پیشرفت مبارزات مردم هستند، می کشد. چرا که این تحلیل ها یا به ارتقای آگاهی توده ها و روشنی بخشیدن به راه مبارزاتی آنان کمک می کنند و یا در خدمت کور کردن اذهان توده ها و انحراف مسیر مبارزاتی آنان قرار دارند. سه برابر کردن قیمت بنزین، به دلیل وابستگی

ستیز قهرمانانه آنان با رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی که در ضمن با شجاعت و رزمندگی مشوق مردان در پیمودن راه انقلاب هستند، یکی دیگر از جلوه های با شکوه این قیام توده ای می باشد.

با قدرت نمائی توده ها در مقابل دشمنانشان، امروز چنان شرایط انقلابی و اوضاع غیر معمول و خاصی در جامعه به وجود آمده است که قدرت های امپریالیستی به مثابه دشمنان مردم نیز به آن اذعان می کنند. این شرایط ویژه که به معنی دست زدن توده ها به انقلاب می باشد، خلق های رزمنده و انقلابی ایران را در کنار خواهران و برادران انقلابی خود در لبنان و عراق قرار داده است. واقعیت این است که انقلاب را توده ها برپا می کنند ولی این امر که آن ها تا چه حد بتوانند آن را ادامه دهند و در چه شرایط و زمانی امکان به آغوش کشیدن پیروزی را خواهند داشت، امری است که تماماً به توازن قوا بین آن ها و دشمنانشان بستگی دارد. با هرچه نیرومند شدن و قدرت گیری توده ها، جبهه دشمن ضعیف و ضعیف تر شده و بالاخره نابود خواهد شد.

بنابراین، امروز همه مسأله برای کسانی که عمیقاً دلسوز توده ها بوده و خواهان غلبه آن ها بر دشمنانشان می باشند این است که چگونه می توان به پیشبرد رزم کنونی آنان یاری رساند. یکی از مهمترین موضوعات در این زمینه چگونگی برخورد به شیوه مبارزه قهرآمیز توده ها با رژیم جمهوری اسلامی و کلاً با دشمنانشان می باشد. دشمن به توده ها می گوید یا به سیاست هائی که من بر اساس توصیه بنگاه های امپریالیستی و به نفع آنان در پیش می گیرم، کردن نهاده و در مرداب فقر و فلاکت فرو روید، یا با کلیه فروشی و قرنیه چشم فروشی و ... تن فروشی و غیره و ارتزاق از طرف های زبالة، مرگ تدریجی خود را متحمل شوید و به صف کارتون خواب ها و کور خواب ها بیبوندید، و خلاصه به بیداد تن بدهید و پذیرای ذلت باشید، یا همانطور که می بینید با شما به طور مسلحانه با بی رحمی تمام خواهم جنگید! آیا در مقابل این منطق ارتجاع، جز مسلح شدن و قاطعانه به مصاف دشمن رفتن، با آن جنگیدن، راه دیگری هم پیش پای توده های تحت ستم ما وجود دارد؟ یا مردن با خفت و خواری در کنج دیواری و یا با شرف و عزت وارد شدن به میدان نبرد جانانه با دشمن! این واقعیت است که چگونگی برخورد به آن امروز به طور کاملاً آشکار صف دوستان و دشمنان مردم ایران را تعیین و مشخص می سازد. تمام دشمنان مردم از طریق رسانه های رسمی و غیر رسمی خود در حالی که با توسل به ریا و دروغ خود را حامی مردم ما جا می زنند، تحت این پوشش که مخالف

اما اگر دشمنان از آغاز خود را برای سرکوب خونین توده ها آماده کرده بودند در مقابل، تصمیم توده ها نیز به طور غریزی مقاومت و ایستادگی بود که در این شعار به گویائی بیان شده است: "چهل سال خون گریستیم، بسه دیگه می ایستیم". به همین دلیل خاموش کردن ماشین ها، تجمع در خیابان و آتش زدن پمپ بنزین ها از اولین اقدامات توده های مبارز ایران بود. ولی اگر جمهوری اسلامی با حملات خونین خود به مردم سعی داشت توده ها را به عقب نشینی وادار کند، اتفاقاً مشاهده وحشیگری های رژیم، آن ها را جری تر ساخت. توده ها نه تنها عقب ننشستند، بلکه با تهور بیشتری با نیروهای مسلح رژیم درگیر شدند و به عنوان اولین پاسخ، در بسیاری از شهرها، بانک ها، این مراکز استثمار، این تجسم سرمایه مالی امپریالیستی را که به تجربه دریافته اند که عامل ادبار و بدبختی آنان می باشند، به آتش کشیدند.

اکنون توده های خشمگین و سلحشور با مایه گذاشتن از جان خود و با سپر قرار دادن سینه های خود در مقابل گلوله های حافظین مزدور سیستم ظالمانه سرمایه داری حاکم، به هر مرکز سرکوب و ستم و استثمار، از فرمانداری ها و کلانتری ها و پایگاه های نیروهای بسیج و پلیس و شهرداری ها گرفته تا حوزه های علمیه که ضمن اشاعه خرافات مذهبی، مراکز سرکوب توده ها نیز می باشند و همچنین به دفاتر امام جمعه های مفتخور و سرکوبگر حمله برده، آن ها را آتش زده و گاه به تصرف خود در می آورند. اغلب شهرها در استان های سراسر ایران، به صحنه درگیری شدید بین انقلابیون و نیروهای مزدور رژیم تبدیل شده است. بر اساس گزارشات منتشر شده، در شیراز، شهری که جوانان مبارز اولین بار در دانشگاه، شعار "ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا به جنگیم" سر داده بودند، بخشی از شهر به کنترل توده های مردم یعنی زنان و مردان انقلابی در آمده است. در برخی نقاط نیز چون بوکان در کردستان طی درگیری های شدید بین توده ها و ضد انقلاب مسلح، مدتی کنترل شهر به دست انقلابیون می افتد. در این جنبش انقلابی، شرکت فعال و رزمنده خلق عرب در خوزستان، خلق رزمنده بلوچ در بلوچستان و حضور برجسته خلقهای کرد در کردستان و ترک در آذربایجان با سابقه غنی مبارزاتی شان در حالی که هم سرنوشت بودن همه خلقهای ایران در مقابل دشمنان مشترکشان را آشکار نمود، مشیت محکمی نیز بر دهان پاهو گوی مرتجعینی کوید که سعی بر تفرقه افکنی بین خلق های ایران را داشته و آن ها را جدائی طلب جلوه می دادند. شرکت وسیع و پر حرارت زنان از میان کارگران و زحمتکشان و

توان در این جا ذکر کرد که بیانگر پشتیبانی و همکاری کامل نیروهای امپریالیستی با جمهوری اسلامی جهت مقابله با توده های انقلابی ایران بود. از جمله: گذاشتن تکنولوژی مربوط به مسدود کردن اینترنت از طرف نیروهای امپریالیستی در اختیار رژیم جنایتکار ایران، به طوری که جمهوری اسلامی توانست با این "کمک بی دریغ" از عالم "غیب"، اینترنت را به روی توده های ایران ببندد و مردم ایران و جهان را از مطلع شدن از رویدادهای مربوط به قیام ستمدیدگان ما محروم سازد. با بستن اینترنت، دشمنان، جنبش انقلابی توده های کارد به استخوان رسیده ما را محاصره نمودند و سعی کردند نه تنها از تأثیر گذاری عملیات متهورانه و قهرمانانه ستمدیدگان محروم ایران بر دیگر ستمدیدگان و محرومان در ایران و خاورمیانه و حتی جهان جلوگیری کنند بلکه عجز و ناتوانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در مقابل قدرت توده ای و جنایات و وحشی گری آن ها علیه توده های بی سلاح را نیز تا آن جا که می توانند استتار نمایند.

انتشار اخبار مغرضانه از طرف رسانه های امپریالیستی نظیر بی بی سی برای بازداشتن ستمدیدگان از تداوم اعتراضات خود، از دیگر اقدامات دشمنان مردم بود. مثلاً به دروغ اعلام می کردند که دولت به حساب مردم پول ریخته است (یعنی دیگر نیازی به اعتراض نیست و به خانه هایتان برگردید). در جریان جنبش انقلابی نیز در شرایطی که این رسانه ها - به خصوص تلویزیون "من و تو" - از مدت ها پیش به طور مستمر و با شدت به نفع سلطنت پهلوی، این جرثومه فساد و تباهی و جنایت تبلیغ می کردند، اکنون فرصت یافته بودند که با پخش اخبار دروغ و یا اگر در جایی کسانی تحت تأثیر تبلیغات آنان شعاری به نفع سلطنت داده بودند با برجسته کردن آن، خواست توده های تحت ستم ما را برگرداندن سلطنت به ایران جلوه دهند. این رسانه های مرتجع، به واقع مردم ما را نادان و عقب مانده تصور می کنند که گویا به جای سیطره رسوبات گندیده ۱۴۰۰ سال پیش اسلامیون حالا می خواهند از به اصطلاح دوره پیغمبر اسلام هم دورتر و به عهد عتیق رفته و به ۲۵۰۰ سال پیش برگردند؛ و این بار تاریخ پر زجر و عذاب برده داری کوروش و داریوش که پاسارگاد را بر دوش زخمی برده ها و حتی با جسد های خونین آن بردگان ساختند را دوباره در ایران زنده کنند!! جالب است به این نکته توجه شود که بی بی سی که در سال ۱۳۵۷ وقتی انقلاب توده ها به اوج خود می رسید، مرتب علیه شاه و به نفع "آیت الله خمینی" تبلیغ می کرد و حتی مردم را فریب داده و می گفت که عکس این "روحانی" در ماه افتاده است، حال در تبلیغات مزورانه اش، ظاهراً از زبان مردم، به دفاع از شاه برخاسته و برگشت سلطنت به ایران را خواست توده های ما جا می زند.

کشور ما ایران، چه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک خود در منطقه خاورمیانه و چه به خاطر ثروت های کلانش و امروز با توجه به نقش ارتجاع جمهوری اسلامی در پیشبرد سیاست "ایران هراسی" به مثابه یک پروژه امپریالیستی، از چه اهمیتی برای امپریالیست ها برخوردار است. با تکیه بر این واقعیت، ضروری است تجربیات مبارزات گذشته در اختیار نسل جوان گذاشته شود، چرا که گذشته، چراغ راه آینده است. بنابراین، لازم است گفته شود که انقلاب مردم ایران برای این که بتواند به پیروزی دست یابد در درجه اول نیازمند رهبری مبارزات انقلابی توده ها توسط طبقه کارگر متشکل و آگاه به ایدئولوژی طبقاتی خود یعنی مارکسیسم-لنینیسم می باشد.

جهت پیشبرد سیاست های امپریالیستی در منطقه خاورمیانه نیز ملزم به ایفای نقش گردید. در همان بدو روی کار آمدن این رژیم، جمهوری اسلامی ملزم به تقویت مجاهدین افغان به مثابه یک نیروی مرتجع طرفدار آمریکا در افغانستان شد. بعداً نیز این دخالت گری ارتجاعی در دیگر کشورهای منطقه نظیر عراق و لبنان و یمن و غیره ادامه یافت. با توجه به سرمایه گذاری امپریالیست ها روی پروژه "بنیادگرایی اسلامی"، رژیم جمهوری اسلامی امروز در خدمت به سیاست های جنگی امپریالیست ها در منطقه، به ارتجاع فائقه یا به عبارت دیگر به سر دسته دولت های مرتجع در خاورمیانه تبدیل گشته است. بنابراین حتی اگر ادعای دولت روحانی مبنی بر خالی بودن خزانه دولت را بپذیریم می بینیم که علت این امر صرف ثروت های مردم ایران از یک طرف در خدمت به حفظ سیستم سرمایه داری حاکم بر ایران و از طرف دیگر در جهت اجرای سیاست های امپریالیستی در منطقه می باشد، واقعیت هائی که حاصلش برای کارگران و زحمتکشان ما جز افتادن در چنبره دردناک فقر و فلاکت و مصیبت های ناشی از آن چیز دیگری نیست.

حال اگر به توفان انقلابی ای که در چند روز اخیر به دست توده های قهرمان و از جان گذشته ایران آفریده شد برگردیم می بینیم که قدرت های امپریالیستی و از جمله رسانه های رسمی و غیر رسمی آنان دقیقاً برای این که بتوانند وضع ظالمانه موجود در ایران و شرایط جنگی در خاورمیانه را با یاری این ارتجاع فائقه در منطقه حفظ و تداوم بخشند، از هیچ کوششی برای به خاموشی کشاندن آتش قیام توده های جان به لب رسیده ما کوتاهی نکردند. آن ها علیرغم حفظ ظاهر و حتی ادعای طرفداری از توده های ستمدیده ما در حرف، به طرق مختلف در عمل دشمنی خود را با مردم ما آشکار نمودند. صرف نظر از آن چه در پشت پرده گذشته و می گذرد، نمودار هائی را می

جمهوری اسلامی به امپریالیسم، در راستای اجرای سیاست دو بنگاه امپریالیستی که آمریکا در رأس آن ها قرار دارد یعنی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول، مبنی بر لغو سوبسیدها از طرف دولت روحانی صورت گرفت. اما این دولت مدعی است که به دلیل خالی بودن خزانه قصد دارد با گران کردن قیمت بنزین، بودجه لازم برای پرداخت یارانه به محتاجان را فراهم کند! بدون مکت روی این ادعا، در این جا یک سوال اساسی مطرح است. چرا خالی بودن خزانه دولت؟ و چرا کسری بودجه؟ مگر مردم ایران صاحب ثروت های بیکران در کشور خود نیستند؟ بر همگان آشکار است که وجود مخازن سرشار از نفت در خوزستان و برخی دیگر از نقاط ایران به تنهایی قادر به تأمین بودجه کلان برای دولت می باشند. تازه علاوه بر این، ایران از ثروتی که از گنجینه معادن گوناگون کشور و از جنگل ها و زمین های کشاورزی حاصل خیز و غیره به دست می آید، برخوردار می باشد. پس با اینهمه ثروت چرا کارگران و زحمتکشان ما از رفاه و یک زندگی سعادت‌مندانه برخوردار نیستند و دولت از خالی بودن خزانه می نالد؟ در پاسخ به این موضوع بدون آن که لازم باشد در این جا وارد برخی فاکتور ها در ارتباط با دلایل کمبود بودجه دولت گردیم (از جمله تحریم های تحمیل شده از طرف ایالات متحده آمریکا که ماحصل رقابت های امپریالیستی می باشند و در چهارچوب سیاست ایران هراسی اعمال شده و البته نتایج مخرب حاصل از آن بر سر توده های محروم ایران سرشکن می شود)، باید به این واقعیت توجه کنیم که ثروت های سرشار ایران ضمن استثمار کارگران و به عبارت دیگر بهره کشی، آن هم به صورت کاملاً وحشیانه از نیروی کار آنان و همچنین از طریق مکانیسم های بازار، در درجه اول به جیب امپریالیست های دارای نفوذ در ایران و سرمایه داران وابسته به آن ها می رود. از طرف دیگر باید دانست که دولت های رژیم جمهوری اسلامی، بودجه کشور را جدا از همه حیف و میل ها و رتق و فتق بورکراسی حاکم به طور عمده در دو حوزه خرج کرده و می کنند. یک بخش عمده از بودجه صرف نگهداری نیروهای مسلح اعم از ارتش و پلیس و زواید آن ها و همچنین نیروهای امنیتی می گردد که وظیفه شان سرکوب توده ها، ایجاد فضای رعب و وحشت و اختناق در میان آن ها در جهت ایجاد به اصطلاح آرامش در جامعه به نفع طبقه استثمارگر حاکم (همان امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته شان) می باشد. بخش عمده دیگر بودجه، خرج دخالت گری های جمهوری اسلامی در کشورهای منطقه از عراق گرفته تا سوریه و لبنان و غزه و یمن می گردد. حال اگر مروری بر گذشته جمهوری اسلامی داشته باشیم، خواهیم دید که این رژیم که از طرف امپریالیست ها در کنفرانس گوادلوپ بر سر کار آورده شد نه تنها برای حفظ منافع امپریالیست ها در ایران وظیفه سرکوب انقلاب توده ها را به عهده گرفت، بلکه

زمین ریخته شد، گواهی می دهد. در این جا با گرمی داشت یاد پر عظمت آنان، همدردی عمیق خود را با بازماندگان جانبازان این قیام مردمی اعلام می کنم. تاکید بر واقعیت تاریخی زیر شاید مرهمی بر زخم عمیقی باشد که دژخیمان جمهوری اسلامی با ربودن و کشتار جگر گوشه گان مردم، بر جان و روح آن ها گذاردند: این خون ها به هدر نمی روند ، بلکه چنان تعهد و انرژی انقلابی در وجود ستمدیدگانِ کارد به استخوان رسیده ما ایجاد می کنند که دشمن از همین امروز از تصور انتقام بی امان این ستمدیدگان، بر خود می لرزد. نباید فراموش کنیم که:

"قهر ضد انقلابی را تنها با قهر انقلابی می توان پاسخ داد" و "تنها یک خلق مسلح قادر به آزاد زیستن است".

سی ام آبان ۱۳۹۸ - ۲۱ / ۱۱ / ۲۰۱۹

کمک های مالی ...

از صفحه ۱۲

رفیق حسین سلاحي ۱۰ یورو

چریک فدایی خلق طاهره قاسمی

۵۰ یورو

چریک فدایی خلق مهشید معتضد

۵۰ یورو

چریک فدایی خلق فاطمه رخ بین

۵۰ یورو

چریک فدایی خلق فتح الله فربود

۵۰ یورو

شهرکی

چریک فدایی خلق حسین پور قنبری

۵۰ یورو

چریک فدایی خلق حسین رگنی

۵۰ یورو

چریک فدایی خلق حسن بشیری

۵۰ یورو

چریک فدایی خلق قنبر پیشدست

۵۰ یورو

رفیق اردشیر کارگر

۲۵ یورو

رفیق ناصر مری

۲۵ یورو

رفیق حمید قباخلو

۲۵ یورو

رفیق سلیمان میر بلوک (کاک قادر)

۲۵ یورو

کارگران مبارز و جوانان انقلابی آگاه می گذارند این است که بکوشند خود را در گروه های سیاسی - نظامی متشکل کنند و به انجام عملیات پارتیزانی یا به قول خودمان چریکی علیه دشمن دست بزنند. به قول رفیق پویان (از رهبران چریکهای فدائی خلق ایران) در شرایط دیکتاتوری حاکم بر جامعه که امروز شدیدتر از دوره شاه می باشد تنها تشکلی قادر به بقاء و تداوم مبارزه خویش می باشد که مسلح شده و راه تعرض بر دشمن را در پیش گیرد. جمله معروف رفیق پویان چنین است: "برای این که باقی بمانیم، مجبوریم تعرض کنیم." در شرایط کنونی ایران، گروه های سیاسی - نظامی مورد نظر، ضمن آگاه کردن مردم از اهداف مبارزاتی خود و کوشش در تربیت سیاسی آنان، چشم انداز ایجاد رهبری متشکل کارگری (کمونیستی)، عضو گیری از توده ها و تشکیل ارتشی از توده های مسلح را در مقابل خود قرار می دهند. **همه تجربیات در جامعه تحت سلطه ایران گواه آنند که جهت غلبه بر دشمن و تحقق خواسته های توده های ستمدیده یعنی ساختن ایرانی عاری از ظلم و ستم و استثمار، راهی جز تشکیل ارتش خلق و آزاد سازی منطقه به منطقه ایران تحت یک رهبری انقلابی کارگری وجود ندارد و تنها از این طریق می توان به نان، کار، آزادی و استقلال از امپریالیست ها دست یافت.**

این مقاله موقعی تکمیل شد که دریای خلقهای قهرمان ایران به عقب نشسته تا موج قدرتمندی را در درون خود بپروراند و این موج، پرتوان تر از قبل بخروشد و با هیبتی عظیم تر بر پیکر ارتجاع بکوبد و به ساحل آزادی برسد.

اکنون باز باید کارگران، زحمتکشان، توده های تحت ستم ایران، جوانان پرشور و انقلابی را خطاب قرار دهم و بگویم که شما با مایه گذاشتن از جان خود، فداکارانه دست به قیام فرمانان ای زدید و با این عمل شجاعانه، بر پیکر اژدهائی که راه چشمه آب حیات خلق های ایران را سد نموده ضربات جانکاهی زدید. این دستاورد و پیروزی شماست. اما، این اژدهائی که در ظاهر قدر قدرت به نظر می رسد هیولای بیمار افتاده در بستر مرگ است که شما با اقدامات انقلابی خود، این پیکر هیولائی درمانده را قدمی دیگر به مرگ محتوم خویش نزدیک تر ساختید. دستاورد و پیروزی شما ، همانا تأثیرات مبارزاتی ای است که بر روی ستمدیدگان در ایران و جهان بر جای گذاشتید. دستاورد و پیروزی شما، تجربیات خونین به جا مانده از این قیام است که راه را برای کوبیدن سر خصم بر سنگ هر چه بیشتر هموار می سازد. این حقیقت را خون زنان و مردان انقلابی که در این قیام با گلوله های نیروهای مسلح جمهوری اسلامی بی رحمانه بر

بایکوت خبری رویداد های قیام مردم در ایران از دیگر اقدامات آشکار نیرو های امپریالیستی بود. همه به یاد دارند که در زمان ظهور داعش که امروز کمتر کسی تردیدی در آفرینش آن توسط امپریالیسم آمریکا دارد، نه تنها اقدامی برای قطع یا مختل کردن اینترنت برای جلوگیری از انتشار تولیدات به غایت ارتجاعی آن ها نمی شد بلکه صحنه های بسیار جنایت بار و خشونت آمیز از اعمال آنان توسط رسانه های امپریالیستی به طور وسیع به سراسر جهان مخابره می شد- آن هم در حالی که ظاهراً خشونت طلبی را تفسیح می کنند. اما در رابطه با قیام توده ای انقلابی مردم ما، هیچ اقدامی برای آشکار کردن واقعیت آن چه در ایران می گذرد از طرف نیروهای امپریالیستی صورت نگرفت. آیا هیچ یک از این رسانه ها با همه قدرت و امکاناتی که در اختیار دارند بدون اینترنت قادر به پخش رویدادهای انقلابی ایران نبودند؟ آیا هیچ یک از این رسانه ها، خبرنگارهای خاص خود را در ایران نداشتند که از طریقی غیر از اینترنت مردم ایران و جهان را از آن چه در جامعه ایران می گذرد با خبر سازند؟ شکی نمی توان داشت که اگر پای منافع امپریالیستی در میان نبود چنین بایکوت خبری آگاهانه هم در مورد رویدادهای قیام توده های ما صورت نمی گرفت.

کوشش در کمتر جلوه دادن تعداد شهدای جنبش و شهرهائی که قیام توده ها در آن جا ها جریان داشت، از دیگر اقدامات مغرضانه رسانه های ارتجاعی می باشد. همه این واقعیت ها یک بار دیگر چهره امپریالیسم به مثابه دشمن اصلی مردم ایران را بر ملا می سازند و نشان می دهند که کشور ما ایران، چه به دلیل موقعیت ژئو پلتیک خود در منطقه خاورمیانه و چه به خاطر ثروت های کلانش و امروز با توجه به نقش ارتجاع جمهوری اسلامی در پیشبرد سیاست "ایران هراسی" به مثابه یک پروژه امپریالیستی، از چه اهمیتی برای امپریالیست ها برخوردار است. با تکیه بر این واقعیت، ضروری است تجربیات مبارزات گذشته در اختیار نسل جوان گذاشته شود، چرا که گذشته، چراغ راه آینده است. بنابراین، لازم است گفته شود که انقلاب مردم ایران برای این که بتواند به پیروزی دست یابد در درجه اول نیازمند رهبری مبارزات انقلابی توده ها توسط طبقه کارگر متشکل و آگاه به ایدئولوژی طبقاتی خود یعنی مارکسیسم- لنینیسم می باشد. تجربه نشان می دهد که این امر مهم در شرایط ایران که دیکتاتوری شدیداً و وسیعاً قهر آمیز بر آن حاکم است از راه های مسالمت آمیز و قانونی حتی با رعایت کامل اصول مخفی کاری حاصل نمی شود. راهی که امروز چریکهای فدائی خلق بر اساس تجربیات انقلابی گذشته هم برای تأمین رهبری طبقه کارگر در جنبش و هم اساساً برای غلبه بر دشمن و رسیدن به آزادی، پیش پای

جمهوری اسلامی،

سپر بلای

امپریالیسم آمریکا

در عراق



جیب کمپانی های امپریالیستی ریخته می شود.

پس از اشغال عراق توسط امپریالیسم آمریکا در سال ۲۰۰۳ و پس از آن که ایالات متحده آمریکا با برگمارگی حاکمی از خود در این کشور اشغال شده به نام "پل بریمر" (Bremer) به تحکیم موقعیت اقتصادی، سیاسی و نظامی خود نایل آمد، با توجه به روحیات ضد امپریالیستی توده ها و مقاومت آنها، آمریکائی ها ظاهراً از عراق خارج شدند و دولتی از خود عراقی ها به اداره کشور گماشته شد. ولی آمریکائی ها با باقی گذاشتن مستشاران خود در این کشور نظامی در عراق سازمان دادند که غارت و چپاول منابع طبیعی و ثروت های این کشور و استثمار نیروی کار به قیمت بسیار ارزان را برای آنان تضمین نموده است. اما، "نظم و امنیت" برای حفظ منافع آمریکا در کشور عراق برای توده های مردم جز تشدید فقر و فلاکت و دیکتاتوری و خفقان و نا امنی و به عبارت دیگر شرایطی به مراتب جهنمی تر از دوران صدام، ارمغان دیگری نداشته است.

علاوه بر یک حکومت مرکزی دست نشانده و ارتشی آمریکا ساخته در عراق که حاکمیت را به دست دارد، کنترل بخش هایی از کشور به دست دیگر نیروهای ضد انقلابی وابسته به آمریکا گذاشته شده است که در هماهنگی با دولت مرکزی به حراست از سلطه امپریالیسم آمریکا در این کشور مشغول بوده و این سلطه ضد خلقی را بر مردم تحمیل کرده اند. شمال (کردستان) تحت حاکمیت بارزانی است که اسرائیل و ترکیه هم در آنجا پایگاه هایی برای خود ایجاد کرده اند. سرکوب و کنترل مردم غرب و جنوب عمدتاً به جمهوری اسلامی سپرده شده است که از طریق مزدوران عراقی خود چون مقتدا صدر و گروه های مسلح دست ساز خود علیه توده ها در عراق اعمال قدرت می کند. البته جمهوری اسلامی در عین حال از طریق ایادی خود در دولت

در افکار عمومی صورت می گیرد را کنار زده و ضمن توضیح روند انقلابی که امروز در عراق جاری است باتکیه بر فاکت های واقعی، روشنگر دلایل و علل مادی و واقعی آن باشد.

به عنوان یک امر پایه ای، دلیل و علت واقعی قیام گسترده کنونی مردم عراق را باید در رشد تضادهای عمیقی جستجو کرد که پس از اشغال عراق توسط ارتش آمریکا و سلطه این قدرت امپریالیستی، در طول سالها به تدریج روی هم انباشته شده بودند که خود را در شکل غارت و چپاول ثروت های توده های محروم عراق، به راه انداختن جنگهای ارتجاعی و سرکوبهای سیستماتیک مردم از طریق دولتهای وابسته نشان داده است. این تضادهاست که امروز، سرانجام سر باز کرده و در شکل یک انفجار وسیع اجتماعی علیه ریشه این مصایب، نمود یافته اند. بنابراین با قاطعیت باید گفت که قیام امروز مردم عراق، علیه سلطه امپریالیسم و اشغالگری امپریالیستی می باشد که به صورت مبارزه علیه فقر و بیکاری در ابعاد باورنکردنی ناشی از این سلطه و اشغالگری، علیه گرانی و تورم و فقدان کمترین سرویسهای اولیه مورد نیاز توده ها نظیر برق و آب آشامیدنی و فساد باور نکردنی و نهادینه شده در دولت و سایر دستگاههای اداری ضد مردمی و در عین حال نا امنی ای بروز پیدا کرده است که از فعالیت های گروه های مسلح گوناگون تحت نام این یا آن قبیله و مذهب در جهت حفظ منافع آمریکا، برای مردم به وجود آورده اند. مردم تحت سلطه عراق در شرایطی متحمل تمام این مصائب گشته اند که مطابق گزارش خبرگزاری ها از جمله "ای یورو نیوز" دولت عراق از یک درآمد نفتی بین ۶ تا ۷ میلیارد دلار در ماه برخوردار می باشد. اما این ثروت و منابع طبیعی مردم عراق توسط ایادی گماشته شده آمریکا در عراق، چپاول و عمدتاً به

بیش از یک ماه از قیام مردم عراق علیه نظام حاکم و حکومت دست نشانده آمریکا در این کشور می گذرد و توده های تحت ستم عراق به رغم سرکوبهای فزاینده و وحشیانه نیروهای سرکوب دولت مرکزی و محاصره از سوی انواع و اقسام نیروهای ارتجاعی وابسته به امپریالیسم از جمله از طرف نیروهای مسلح وابسته به سپاه قدس جمهوری اسلامی هر روز شدید تر از قبل، بر خواست خود یعنی "اسقاط النظام" (نابودی نظام) حاکم و سرنگونی دولت عادل عبدالمهدی پا فشاری می کنند. در طول این مدت نه کشتار بی رحمانه تظاهر کنندگان با رقم بی سابقه حدود ۳۰۰ نفر در طی یک ماه، نه تهدید توده ها به اعدام و خشونت بیشتر علیه آنان، نه وعده اصلاح، نه استعفاي برخی مهره های حکومت دست نشانده حاکم برای حفظ کلیت نظام ضد خلقی موجود، نه اظهار همدردی فریبکارانه باندهای ارتجاعی مختلف طبقه حاکم نظیر مقتدا صدر و سیستماتی با قیام کنندگان، و بالاخره نه اعلام حکومت نظامی، هیچیک باعث فروکش کردن آتش انقلاب توده ها علیه گردانندگان نظام حاکم نشده است. بر عکس، روزی نیست که از میان توده های ستمدیده، نیروهای جدیدی چون دانش آموزان و دانشجویان به قیام مردمی عراق نپیوندند و خواستهای رادیکالتری را مطرح نکنند.

اما پرسیدنی است که زمینه مادی این حد از جسارت انقلابی و از خود گذشتگی توده ها در مقابل دشمنان تشنه به خونشان و این درجه از عزم راسخ آنها برای تداوم مبارزات انقلابی با هدف تحقق خواستهای خود و رسیدن به پیروزی، چیست؟ بیشک کسانی که دچار ایده آلیسم و خرافات مذهبی نبوده و تبلیغات رسانه های ارتجاعی را اساس تحلیل های خود قرار نمی دهند، در جستجوی ریشه های مادی و علل واقعی این قیام بی نظیر مردم عراق خواهند بود. این مقاله نیز به نوبه خود کوشیده است تحلیل و گزارش های غیر واقعی که به منظور انحراف مسیر مبارزات انقلابی مردم تحت ستم عراق و اغتشاش

نابودی همه نیروهای مزدور حافظ این نظام را سر داده اند.

امروز توده های جان به لب رسیده و انقلابی عراق با دست زدن به اعتصاب، با تظاهرات عظیم توده ای، با درگیری با نیروهای سرکوبگر و با حمله قهرمانانه به هر مرکز ستم و سرکوب در خیلی از نقاط کشور به مقابله با دشمنانشان برخاسته و علیرغم سرکوبهای وحشیانه حکومت مرکزی و نیروهای نظامی وابسته به جمهوری اسلامی که به قول خود رسانه های امپریالیستی "موازین حقوق بشر را زیر پا گذاشته و مرتکب خشونت ناموجه" می شوند (دویچه وله - فصل جدید سیاسی عراق و

روزهای سخت حکومت ایران) ، همچنان با خشم و نفرت بی حد نسبت به سرکوبگران خود در صحنه نبرد باقی مانده اند. توده هایی که با حضور در خیابانها و درگیری با نیروهای مسلح، همه خطرات را به جان می خرنند و حتی در مقابل دوربین ها هم اعلام می کنند که برای تحقق خواستههایشان باکی از مرگ ندارند. شکی نباید داشت که این حد از روحیه انقلابی و شجاعت در میان توده های رزمنده عراق که با از خود گذشتگی، سینه خود را سپر گلوله های پر کین و ضد انقلابی دشمنانشان می کنند، واکنش و عکس العملی در مقابل کنش و اعمالی است که سالها بر این مردم تحت ستم اعمال شده است؛ بیانگر و انعکاس شرایط بس ظالمانه ای است که این مردم طی سالها پس از اشغال عراق توسط امپریالیسم آمریکا متحمل شده اند. به زبانی دیگر باید گفت که این واقعیت بیانگر شدت گیری و تعمیق تضادهای طبقاتی در جامعه تحت سلطه عراق می باشد که امروز به نقطه اوج خود رسیده است. درست بر این مبنا است که تظاهر کنندگان دلیر عراقی خطاب به دشمنانشان می گویند: "ما (طرفدار) انقلاب خلق و شما (پیام آور) جنگ داخلی هستید!"

مسلم است که دشمنان جهت عقب راندن توده ها و به شکست کشاندن انقلاب آنها صرفا به سرکوب اکتفاء نمی کنند بلکه روش ها و حیل های مختلفی را نیز به کار می بندند. مثلا در همین دور دوم خیزش مردم عراق، مقتدی صدر، یکی از مزدوران وابسته به جمهوری اسلامی برای نفوذ در جنبش توده ها و انحراف مسیر مبارزات انقلابی آنان، در آغاز حمایت خود را از توده های به پا خاسته عراق ابراز کرد. یا یکی از چهره های شناخته شده گروه های شبه نظامی

زندگی سعادتمندانه و تامین کرامت مردم است، به درستی انجام دهد. او وظیفه ندارد ما را به بهشت هدایت کند. این شعار در عین حال دروغین بودن تبلیغاتی را هم نشان می دهد که قیام مردم تحت ستم عراق را با مذهب توضیح



داده و از آن به عنوان قیام "شیعیان" عراق نام می برند- گوئی که از یکایک توده میلیونی که مثلا در میدان تحریر این کشور تجمع می کنند مذهبشان پرسیده شده و آنها هم همگی اذعان داشته اند که شیعه مذهب اند!! همچنین شعار "به جای جدا کردن زن از مرد، دین باید از دولت جدا شود" (جدائی دین از دولت به جای جدائی زن از مرد)، و یا "لقمه نانی برای شکم گرسنگان، بهتر از ساختن مسجد است"، "بان، آزادی، عدالت اجتماعی"، و بالاخره تأکید بر شعار "ما خواهان نابودی نظام هستیم و اگر حرف ما را نمی فهمید به (زبان) ایرانی می گویم: مردم می خواهند سیستم را براندازند." همگی این شعارها حاکی از عمق جنبش انقلابی جاری در عراق و درجه تشنه بودن مردم برای یک انقلاب و دگرگونی واقعی یعنی از بین بردن ریشه های مصایب خویش می باشند. این شعارها در کنار خواستههایی نظیر حق کار و زندگی، برقراری خدمات ابتدایی نظیر برق و آب و گاز و نیل به دموکراسی و آزادی، منعکس کننده محتوای خیزش توده ای بزرگی ست که در عراق جریان یافته و خواست قلبی صد ها هزار تن از توده های به پا خاسته عراق را بیان می کنند. بنابراین، آنچه امروز در عراق به گوش می رسد صدای خیزش میلیونها تن از توده های تحت ستم این کشور است. صدای مردمی که نفی سلطه آمریکا و سگان زنجیریش چون جمهوری اسلامی در عراق را فریاد می زنند ، صدائی که ضرورت یک انقلاب برای برافکندن نظام اقتصادی- سیاسی ضد خلقی موجود را تأکید و پژواک می دهد. واقعیت این است که توده ها در شهرهای این کشور برای تغییر شرایط محنت بار زندگی خویش از طریق تغییر مناسبات استثمارگرانه موجود به خیابانها آمده اند. بیهوده نیست که آنها با سپر کردن سینه خود در مقابل گلوله های سرکوبگران فریاد نابودی نظام ظالمانه حاکم بر عراق و

مرکزی، نقش برجسته ای نیز در تعیین سیاست های این دولت ایفاء می نماید.

در ابتدا نظریه ای در آمریکا وجود داشت مبنی بر این که عراق به سه قسمت شیعه و سنی و کرد نشین تقسیم شود. اما به جای این امر، قانون اساسی ای نوشته شد که بر مبنای آن قدرت سیاسی در حکومت مرکزی بر اساس مذهب و ملیت تقسیم شد. به این صورت که رئیس جمهور می بایست کرد، نخست وزیر دارای مذهب شیعه و رئیس پارلمان از سنی ها باشد. درست بر این مبناست که روی بنری تاریخی که توده های قهرمان عراق پس از تصرف بلندترین برج

عراق از دیوار آن آویزان کردند علاوه بر خواست های اساسی مردم، لغو قانون اساسی و حکومت احزابی که متعلق به "بریمر" هستند ("الوطن یرید اسقاط دستور بریمر" و الوطن یرید اسقاط حکومت احزاب بریمر") و تغییر قانون انتخابات نیز عنوان شده اند. در آن بنر اسامی دشمنان مردم عراق با صراحت مطرح شده اند که در رأس آنها آمریکا قرار دارد و با گفتن نه به آمریکا و همچنین به دیگر نیروهای مرتجع مداخله گر در عراق، اردوغان، عربستان سعودی، ایران (جمهوری اسلامی)، بعث، بارزانی و به دکان های خبری اسرائیل، خواستههایی نیز مطرح شده اند که برجسته ترین آنها اخراج ارتش آمریکا و قواعدش، لغو معاهدات صندوق بین المللی پول، نفی نفوذ ایران، بیرون راندن ارتش ترکیه، و در آخر بین المللی کردن مسأله دجله و فرات (مربوط به محیط زیست) می باشند.

از همان آغاز، شعار نابودی نظام حاکم نه تنها در بنرها منعکس شد بلکه توسط توده های انقلابی نیز فریاد زده شد. با گذشت زمان ما شاهد افزایش روزمره خواستها و شعارهای دیگری هم هستیم که خواست مردم برای یک زندگی سعادتمندانه در آنها منعکس است و همچنین خط بطلان بر تبلیغاتی کشیدند که مردم عراق را متعلق به این یا آن گروه مذهبی و طایفه ای نشان می دهند. در این شعارها خواست سکولاریسم و نفی هر گونه مذهب و طایفه در دولت اعلام شده است به گونه ای که حتی در رسانه های امپریالیستی نیز انعکاس یافته اند. نظیر این شعار که وظیفه یک دولت مردمی را یادآوری می کند: "مهم نیست حکمران کافر باشد یا مسلمان، مهم این است که دولت باید وظایف خود را که فراهم ساختن

آسیاب امپریالیسم آمریکا و توهینی به آگاهی توده های به پا خاسته عراقی و لایوشانی حقیقت ست. مردم عراق به خاطر شرایط مادی زندگی محنت بار خویش یعنی فقر و بیکاری و گرانی و فساد و فقدان کمترین خدمات اجتماعی و جنگ افروزی و سرکوب ابتدایی ترین خواسته هایشان که حاصل سلطه آمریکا و غارت ثروت های آن کشور می باشد، به پا خاسته و دست به انقلاب زده اند. تمام این عوامل مادی حاصل شرایطی ست که امپریالیسم آمریکا و دولت خدمتگزار آن در عراق در طول سالها بر حیات و هستی توده های تحت ستم حاکم کرده اند و به کمک انواع دار و دسته های ارتجاعی و دولتهای منطقه نظیر جمهوری اسلامی از آن حفاظت کرده اند. در رابطه با مردم کرد تحت ستم در عراق نیز واقعیت این است که با سپرده شدن حاکمیت بر این توده ها به دست پارزانی، شکافی بین مبارزات آنان با توده های هم سرنوشت خود در نقاط دیگر عراق ایجاد شده است. در حالی که مدت زیادی از عصیان این خلق محروم علیه حکومت پارزانی نیز نمی گذرد، عصیان و شورشی که نشان داد که رواج ایده های ناسیونالیستی در میان مردم کرد قادر نیست بر خواست توده ای برای یک زندگی آزاد و بدور از فقر و فلاکت سرپوش بگذارد.

امروز در رابطه با نفی سلطه آمریکا یک مبارزه آشکار ضد امپریالیستی در عراق در جریان است. علیرغم همه سیاست های نواستعماری فریبکارانه آمریکا در عراق که کوشیده است سلطه خود بر کارگران و زحمتکشان و دیگر توده های تحت ستم این کشور را از طریق ایادی بومی و نیز رژیم خدمت گزار خود جمهوری اسلامی پیش ببرد، مردم عراق امروز در شعارها و بنرهایشان آشکار می سازند که علیه اشغال کشورشان توسط آمریکا و آبادیش می باشند. آنها به صراحت به آمریکا نه می گویند و همچنین شعارهایی علیه نفوذ و دخالتگری جمهوری اسلامی سر می دهند که شعارهایی چون "ایران برو گمشو" و سوزاندن پرچم جمهوری اسلامی و چوب زدن به تصویر خامنه ای و قاسم سلیمانی از نمودارهای این امر می باشند. رساتر از همه این شعارها که بیانگر آگاهی و خواست مردم بر نفی سلطه امپریالیسم آمریکا بر کشورشان می باشد، شعارهایی هستند که عمق خواسته های توده ها در آنها منعکس می باشند نظیر: "خلق ما خواهان سیادت خویش و اخراج نیروهای آمریکایی و پایگاه هایشان هستند" و شعار گویا و تعرضی: "در

تحریکات خارجی جا می زنند. هر یک از این دشمنان توده های عراق با این مواضع، در صدد نفی حقانیت خیزش مردم به پاخاسته عراق برای انقلاب هستند.

در این میان یکی از خطوط عوامفریبانه ای



که برای انحراف افکار عمومی از دلایل خیزش انقلابی مردم عراق توسط بوقهای تبلیغاتی وابسته به امپریالیستها و نیروهای ارتجاعی و پرو امپریالیست اشاعه یافته و توسط نیروهای سازشکار و دوستان نادان خلق در کشور ما نیز تکرار می شود عبارت از این است که گویا مردم عراق اساسا نه برای پایان دادن به سلطه امپریالیسم آمریکا بر کشورشان و تغییر شرایط برده وار زندگی و کار خویش بلکه برای بیرون راندن مزدوران جمهوری اسلامی از عراق و "قطع نفوذ" آخوندهای حاکم بر ایران از کشور عراق است که به پا خاسته اند. اشاعه دهندگان این تحلیل های عوامفریبانه برای استتار چهره جنایتکار امپریالیسم آمریکا و نتایج فاجعه بار اقتصادی و سیاسی و نظامی ناشی از ۱۶ سال اشغال و سلطه مستقیم دولت آمریکا بر عراق، از جمهوری اسلامی چهره قدرت اصلی و حاکم بر جان و مال مردم عراق را ارائه می دهند و با این کار آشکارا چهره قدرت واقعی یعنی امپریالیسم آمریکا را می پوشانند و می کوشند تا آن را از زیر ضرب توده های به پا خاسته و نفرت افکار عمومی خارج کنند و همه توجه توده ها را به سوی رژیم جمهوری اسلامی جلب کنند که در واقعیت نیز برای حفظ سلطه امپریالیسم آمریکا در عراق به هر اقدام رذیلانه و جنایتکارانه علیه توده های انقلابی عراق دست می زند. نتیجه عملی چنین تحلیل هایی نیز آن است که گویا با قطع نفوذ جمهوری اسلامی در عراق و از آن کمتر اخراج مقامات و مهره های این رژیم از عراق ریشه مشکلاتی که باعث بزرگترین خیزش توده ای یک دهه اخیر در عراق شده حل خواهد شد. اما چنین تحلیلی، آب ریختن به

به نام ابو عزرائیل در میان توده های تظاهر کننده حاضر شد تا بتواند آنها را به مبارزه مسالمت آمیز دعوت کند. با این حال با پیشرفت و رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر جنبش، آن حمایت های لفظی و نمایشات همراهی با مردم نیز رنگ باختند. مرتجعین دیدند که مردم عراق از چنان آگاهی انقلابی برخوردارند که علیه خود آنان شعار می دهند و روی بنرهایشان می نویسند: "نه به بعث، نه به ایران، نه به بارزانی، نه به مقتدا، نه به سیستانی". به طور کلی، اکنون تمامی دشمنان توده های به پاخاسته در عراق از خود امپریالیسم آمریکا گرفته تا دولت عادل عبدالمهدی و جمهوری اسلامی و بالاخره انواع دار و دسته های ارتجاعی دیگری که مجموعا نیروهای استثمارگر و وابسته حاکم بر عراق را تشکیل می دهند، هر یک با به عهده گرفتن نقشی، به تکاپو افتاده اند تا جلوی سیل عظیمی که حرکت انقلابی مردم عراق علیه همه آنها به راه انداخته را بگیرند.

مقامات آمریکایی نظیر پمپئو، وزیر خارجه، در حالی که ارتش دست ساز آنها با فرمان دولت مزدور عبدالمهدی و برخورداری از سلاح های آمریکایی خون صد ها تن توده های بی دفاع و غیر مسلح عراقی را در خیابانها به زمین می ریزند، و در شرایطی که آمریکا بزرگترین حامی سیاسی و نظامی دولت عبدالمهدی ست، "خشونت" را محکوم کرده و مدعی شده که "در تظاهرات مردم خشونت چه از سوی نیروهای امنیتی و چه از سوی تظاهرکنندگان جایی ندارد" (صحبت های تلفنی مایک پمپئو با نخست وزیر عراق). همچنین وزیر دفاع آمریکا با دفاع از روابط دولتش با حکومت عراق تاکید می کند که "ایالات متحده همچنان بر اساس توافقنامه چارچوب راهبردی بین دو کشور به ایجاد یک عراق نیرومند، برخوردار از حاکمیت ملی و مرفه متعهد است." و به این وسیله و با این عبارات دروغین مردم پسندانه، حمایت خود از حکومت دست نشانده خویش در عراق را بار دیگر اعلام می کند.

مقامات ضد خلقی جمهوری اسلامی نیز که در طول سالها با صرف میلیاردها دلار از خزانه مملکت و به واقع از ثروت های مردم محروم ایران، ماموریت حمایت و نگهداری از پایه های حکومت وابسته به آمریکای حاکم بر عراق را بر عهده دارند نیز اکنون که می بینند چگونه به دلیل نقش شان در حفاظت از همین حکومت وابسته و سرکوبگر، خود نیز به حق به یکی از آماج های قیام توده های به پا خاسته عراقی بدل شده اند، با ردالت تمام جنبش توده ای کنونی را حاصل

وابسته به آمریکا در عراق به مثابه پاسدار این نظم ضد خلقی، علیه جمهوری اسلامی و همه نیروهای مترجع دیگری است که در سراسر این کشور در خدمت به سلطه امپریالیسم آمریکا نقش ضد انقلابی خود را ایفاء می کنند. تحلیل هایی که بدون در نظر گرفتن وابستگی حکومت مرکزی عراق و خود جمهوری اسلامی به امپریالیسم آمریکا، هدف اصلی قیام کنندگان در عراق را صرفاً قطع "نفوذ" جمهوری اسلامی در این کشور جار می زنند، صرفنظر از این که چه منافع طبقاتی آنها را به چنین برخوردی وادار نموده است، حتی صورت مساله را نفهمیده اند.

وظیفه تمام نیروهای انقلابی ست که ضمن حمایت از تمام خواسته های بر حق توده های به پا خاسته عراقی که با هدف نابودی نظام جابرانه کنونی و پاسدارانش، خونشان بی محابا در جنگی خونین و نابرابر با دشمنانشان بر زمین ریخته می شود، چهره دشمن اصلی مردم عراق یعنی امپریالیسم و خدمتگزاران رنگارنگش در هر لباسی - از جمله جمهوری اسلامی- را افشاء کرده و برای گسترش و تقویت این جنبش انقلابی بکوشند.

آبان ۱۳۹۸

ع. شفیق

امپریالیسم آمریکا در خلق شرایط کنونی در عراق ست و نه ریشه مصایب توده های زحمتکش عراقی. این رژیم امروز با عملکردهای سرکوبگرانه وحشیانه اش علیه مردم ستمدیده عراق، بیش از پیش به عاملی برای از زیر ضرب خارج کردن دشمن اصلی مردم عراق یعنی امپریالیسم آمریکا تبدیل شده و نقش سپر بلا را برای آن ایفاء می کند. تمرکز رسانه های ارتجاع بر نقش جمهوری اسلامی در عراق و جلوه دادن آن به عنوان عامل اصلی اعتراضات مردم در عراق، سیاستی در خدمت آمریکاست تا این امپریالیسم فرصت تطبیق خود با شرایط جدید را بیابد.

بررسی روندهای جاری و چگونگی رشد و تکوین خیزش انقلابی توده ها در عراق، شعارها و خواسته های این جنبش و تداوم عزم مردم به پا خاسته برای تحقق اهدافشان به رغم دادن چند صد شهید و هزاران زخمی، نشان می دهند که جنبش جاری در عراق یک جنبش ضد سلطه امپریالیسم، ضد اشغالگری امپریالیستی و پایگاه های نظامی و ارگانهای بوروکراتیک و سرکوبگر دست ساز آن در عراق و منجمله سیاهچالهای ابوغریبی شان در این کشور می باشد. جنبشی علیه حکومت مرکزی

تاریخ نوشته خواهد شد که شما با تانک های آمریکائی بر عراق حاکم شدید. ما با همین توک توک ها آن را از شما می گیریم". منظور از "توک توک" ماشین های کوچکی است که راننده های آنها را محروم ترین قشر جامعه تشکیل می دهند. این روزها بیشترین حمل و نقل زخمی ها و کارهای خدماتی دیگر در خدمت به انقلاب توسط این راننده ها صورت می گیرد. مثلاً آنها زخمی ها را برای مداوا به محلی که دانشجویان پزشکی مبارز در آنجا هستند می برند.

با توجه به تبلیغات رسانه های امپریالیستی و دنباله روانشان که سعی در استتار چهره آمریکا (به مثابه دشمن اصلی توده های خاورمیانه و جهان) با تأکید بر نقش ضد انقلابی جمهوری اسلامی در عراق هستند باید گفته شود که از آغاز اشغال این کشور توسط ارتش آمریکا و متحدین اش، نقش جمهوری اسلامی در عراق، کارگزاری برای سیاست های امپریالیستی و کمک به بقای دولت مرکزی این کشور با حمایت های مالی و نشر خرافات مذهبی به منظور حفظ و تحکیم بندهای نظام امپریالیستی حاکم بر زندگی توده ها بوده است. در واقع، جمهوری اسلامی تنها یکی از ابزارهای متعدد

گزارشی از تظاهرات علیه جنایات ترکیه در کردستان سوریه در اسلو - نروژ



در پی هجوم ددمنشانه رژیم جنایتکار ترکیه به کردستان سوریه، فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در نروژ با صدور فراخوانی جهت محکوم نمودن کشتار مردم ستمدیده کرد، به همراه دیگر سازمانهای سیاسی کرد از ایران، ترکیه، سوریه و عراق، در یک تظاهرات بزرگ که برای محکوم کردن این لشکرکشی با چراغ سبز امپریالیستها برگزار شده بود، شرکت نمودند. این تظاهرات در روز شنبه ۱۲ اکتبر ۲۰۱۹ برگزار شد. در ساعت ۳ بعداز ظهر، جمعیت خشمگین و کثیری که تعدادشان چهار هزار نفر تخمین زده می شد با در دست داشتن پرچم و پلاکارد ها و شعارهایی در حمایت از مردم کردستان که زیر بمباران ارتش ترکیه - عضو ناتو - قرار دارند در میدان ترافیک انتن اسلو تجمع کرده و بطرف دفتر وزارت امور خارجه نروژ حرکت کردند. شعارهایی که مرتب در طول این حرکت اعتراضی با خشم از طرف معترضین در همبستگی با خلق کرد سر داده می شد عبارت بودند از "ما شما را حمایت میکنیم"، "مرگ بر اردوغان"، "اردوغان تروریست است"، "اردوغان فاشیست است"، "زنده باد خلق کرد"، "دولت ترکیه بایکوت باید شود"، "ترکیه را تحریم کنید" و ... جمعیت تظاهر کننده با اعلام همبستگی با مردم کردستان، خواهان اقدامی ملموس توسط جامعه جهانی برای توقف جنگ و پایان دادن به فاجعه کشتار خلق کرد بودند. علیرغم هوای نامساعد و بارندگی مداوم، این اکسیون به مدت سه ساعت با ایراد سخنرانی و سرود خوانی ادامه داشت و در پایان با شعار "مرگ بر رژیم ترکیه"، "ترکیه، خاک کردستان را ترک کن" خاتمه پیدا کرد. در مسیر راهپیمایی، جمعیت از طرف مردمی که در کنار خیابان قرار داشتند مورد تشویق قرار می گرفتند. یک نکته قابل اهمیت دیگر این حرکت این بود که در همین روز برخی از سازمانهای کردی با گرایش ناسیونالیستی، صبح و بصورت جداگانه دست به یک تجمع زده بودند که تعدادشان بگفته شاهدان نزدیک به ۵۰۰ نفر بود. نکته دیگر اکسیون روز شنبه که ما در آن شرکت داشتیم همه سازمانها و احزاب شرکت کننده دارای گرایش چپ بودند. این اکسیون از طرف مردم نروژ نیز مورد استقبال شایان توجهی قرار گرفت، بطوری که تعداد نروژی های شرکت کننده در تظاهرات به ۵۰۰ تا ۶۰۰ نفر می رسید. در این تظاهرات، از پیر و جوان گرفته تا زن و مرد و کودک، از گروه های سنی مختلفی شرکت داشتند. گستردگی و ابعاد حمایت مردمی از این تظاهرات باعث شد که برخی رسانه های مختلف، از جمله تلویزیون دولتی نروژ به این حرکت اعتراضی پوشش خبری بدهند.

مرگ امپریالیسم و سگان زنجیریش!

مرگ بر حکومت فاشیستی ترکیه قاتل خلق کرد و ترک!

زنده باد خلق رزمنده کرد که برای آزادی می جنگد!

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در نروژ

۱۲ اکتبر ۲۰۱۹

تدریجی و دستجمعی دیگر توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی علیه توده های محروم ندارد. این سیاست، گام دیگری در چارچوب پیشبرد برنامه های امپریالیستی نظیر "بازار آزاد" و "خصوصی سازی"، "آزاد سازی قیمت ها" است که به قیمت مرگ تدریجی افشار پایینی جامعه و برآوردن منافع سرمایه های جهانی و سرمایه داران اتخاذ شده است. این سیاست ضد خلقی، برغم دروغ های بی شرمانه رییس جمهور و شرکایش در حکومت، هیچ ربطی به منافع محرومان و گرسنگان ندارد.

برعکس، پیشبرد این سیاست ضد خلقی، در چارچوب برنامه های امپریالیستی در کشورهای تحت سلطه، توسط صندوق بین المللی پول و بانک جهانی به حاکمان مزدور جمهوری اسلامی دیکته شده است. مردم ما به یاد دارند که پیشبرد این برنامه های غارتگرانه و ضد خلقی که تنها منافع امپریالیست های غارتگر و سرمایه داران بومی را تامین می کنند، بدنبال پایان جنگ ایران و عراق در فاز جدیدی بر مردم ما تحمیل شد و از آن پس تاکنون دولت های رفسنجانی و خاتمی و احمدی نژاد و روحانی مزدور، بدون وقفه، هر یک با سرعت تمام آن را به پیش رانده اند و مردم ایران را با هدف برآوردن منافع امپریالیست ها و سرمایه داران جهانی به خاک سپاه نشانده اند. افزایش سرسام آور قیمت بنزین توسط حکومت، گام دیگری در این مسیر است که نجات از آن تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و قطع سلطه امپریالیسم و نظام سرمایه داری میسر است.

گرانی و تورم و بیکاری و گرسنگی، دزدی و فحشا و سایر بلایای اجتماعی، و در نتیجه آن سقوط به مرداب فقر و در هم پاشیدن خانواده های زحمتکش و محروم کارگران با حیات این رژیم پوسیده و ضد خلقی گره خورده است. برای نابودی این نظام استثمارگرانه و سرکوبگر، برای تحقق شعار "نان، کار، مسکن و آزادی"، برای نابودی قاتلان دزد و تبهکار حاکم که جز زبان قهر و گلوله زبان دیگری نمی شناسند و برای نجات زندگی خود به پا خیزید و مبارزه خود را تا نابودی کامل سیستم سرمایه داری ادامه دهید که ریشه اصلی همه مصیبت های جامعه ما سلطه این سیستم استثمارگرانه می باشد.

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

زنده باد انقلاب!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه

رسیدن به آزادی ست!

چریکهای فدایی خلق ایران

۲۵ آبان ۱۳۹۸ - ۱۶ نوامبر ۲۰۱۹



افزایش قیمت سوخت و انفجار خشم توده ها!

در ۲۴ ساعت گذشته (۲۴ آبان ۱۳۹۸) پس از اعلام افزایش سرسام آور قیمت بنزین توسط مقامات ضد خلقی جمهوری اسلامی، ده ها شهر ایران بار دیگر به صحنه انفجار خشم و نفرت بر حق توده های تحت ستم، علیه حکومت تبدیل گشته است. با اعلام افزایش ۳۰۰ درصدی قیمت بنزین توسط مقامات رژیم و در شرایطی که فشار طاقت فرسای ناشی از گرانی، تورم، فقر و گرسنگی، کمر توده های تحت ستم ایران را خم کرده، در شرایطی که کارگران و زحمتکشانش هر شب دور سفره های خالی خویش، نظاره گر چشمان اشکبار خانواده خود هستند، در شرایطی که ده ها هزار تن از توده های محروم و گرسنه به خاطر گرانی و بیکاری و گرسنگی، از سطل های زباله ارتزاق می کنند، موجی از اعتراضات ضد حکومتی با شعارهای "بنزین گروتر شده، فقیر فقیر تر شده"، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر گرانی"، "توپ تانک فشفشه، آخوند باید گم بشه"، "مرگ بر خامنه ای"، "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم" و ... بسیاری از شهرهای مشهد، اهواز، تهران، بوشهر، کرمانشاه، سیرجان، ساری، چاه بهار، بهبهان، اصفهان، بروجن، کرج، رشت، تبریز، ارومیه، میانه، میاندوآب، شیراز و لاهیجان و غیره ایران را از شمال تا جنوب و از شرق تا غرب کشور درنوردیده است.

مردم به جان آمده در این شهرها، خیابان ها و جاده ها را بسته، بعضی از پمپ بنزین ها شعب بانک و ماشین های پلیس، مجسمه انگشتن خیمینی و غیره را آتش زده اند و به پرتاب سنگ و درگیری با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی پرداخته اند. درگیری مردم با مزدوران در همین ساعات هم در شهرهای مختلف ادامه دارد و هر لحظه خبر جدیدی از این درگیری ها منتشر می شود. آخرین خبرها تا زمان نوشته شدن این اعلامیه حاکی از تصرف یا به آتش کشیدن برخی کلانتری ها توسط مردم از جمله در تهران و شیراز و پرند و ... می باشند.

نیروهای مزدور جمهوری اسلامی بی محابا به روی مردم تیراندازی می کنند. در سیرجان بنا به گزارشات منتشر شده در شبکه های اجتماعی یک نفر از توده های معترض، با گلوله سرکوبگران کشته شده است. همچنین دو نفر در اثر تیراندازی مأموران در جاده ساوه و اصفهان و چند نفر در شیراز نیز جان باخته اند. در برخی نقاط جوانان مبارز با وجود تیراندازی مستقیم مأموران جنایتکار رژیم با پرتاب سنگ آن ها را فراری دادند. این کشتار، ماهیت ضد خلقی جمهوری اسلامی و ضرورت سرنگونی قهرآمیز آن را بار دیگر در مقابل همگان به نمایش درآورده است.

افزایش چند برابری قیمت بنزین که به طور طبیعی موجب یک جهش وحشتناک در سیر گرانی و قیمت تمامی مایحتاج عمومی می گردد، یک تعرض وحشیانه دیگر توسط سران دزد و فاسد حکومت به سفره خالی توده های گرسنه و رنج دیده است که میلیون ها تن از توده های تحت ستم را هر چه بیشتر به سقوط در زیر خط فقر و گرسنگی و مرگ تدریجی محکوم خواهد نمود. این تعرض در شرایطی صورت می گیرد که رییس جمهور مزدور جمهوری اسلامی، و فیهانه افزایش قیمت سوخت را گامی در جهت کمک و تخصیص "یارانه" به فقرا جا می زند و وزیر نفت شارلاتان این رژیم با پوزخند اعلام می کند که این افزایش قیمت ها تا زمانی که مردم "تحمل" کنند، ادامه خواهد یافت! در حالی که توده های محروم و آگاه به روشنی درک می کنند که درآمد حاصل از افزایش قیمت سوخت، همچون چهل سال گذشته به جیب سرمایه داران رذل حاکم ریخته خواهد شد و یا صرف پیشبرد برنامه های ضد انقلابی و سرکوبگرانه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در سطح منطقه خواهد گشت و تنها بار کمر شکن ناشی از آن بر دوش توده های درمانده و گرسنه سرشکن خواهد گردید.

مردم مبارز ایران! کارگران گرسنه و بدون حقوق! بازنیستگان مالباخته! کشاورزان تحت ستم! جوانان به جان آمده! توده های تحت ستم!

افزایش سیصد درصدی قیمت سوخت و هیولای گرانی و تورم وحشتناکی که بعد از این گام ضد خلقی حکومت، گلوک شما را هر چه بیشتر خواهد فشرد، هیچ فرقی با صدور فرمان یک کشتار

کمک های مالی ... از صفحه آخر

سوند

اردشیر کارگر	۵۰ دلار
داریوش کارگر	۵۰ دلار
A.J.Olfati	۵۰۰ کرون
میز کتاب یوتوبوری	۱۵۰ کرون
میز کتاب یوتوبوری	۱۰ یورو

هلند

رفیق جواد سلامی	۲۰ یورو
رفیق کاظم سلامی	۲۰ یورو
ادامه در صفحه ۷	

شیلی علیه نظم ظالمانه سرمایه داری حاکم به پا خاسته است!



لباس شخصی ها در روز روشن و در شب به تظاهرکنندگان شلیک کرده و آن ها را به قتل رسانده اند و یا از آن ها عکس گرفته و روز بعد آن ها را در محله هایشان ربوده و سربه نیست کرده اند. همه این واقعیات بیانگر آنند که طبقه حاکم بر شیلی، چهل و شش سال پس از کودتای آمریکایی "آگوستو پینوشه"، در چنان وضعیتی قرار دارد که خود را مجبور دیده است با همان روش های جنایتکارانه دیکتاتوری پینوشه تحت حمایت امپریالیسم آمریکا، یعنی با حکومت نظامی و شکنجه و کشتار به سرکوب اعتراضات رو به رشد صدها هزار کارگر و جوان آگاه بپردازد. این عکس العمل، دقیقاً وحشت طبقه سرمایه دار حاکم بر شیلی و اربابان آمریکایی آن ها از شعله ور شدن خشم کارگران و زحمتکشان را نشان می دهد. بیهوده نیست که سرمقاله "واشنگتن پست" در ۲۱ اکتبر از "بهار آمریکای لاتین" سخن گفته و وحشت امپریالیست ها از گسترش اعتراضات در همه کشورهای آمریکای لاتین را آشکار می سازد.

اما تاکنون سرکوب ها و شکنجه های قرون وسطایی نه تنها منجر به ترس و عقب نشینی مردم شیلی نشده، بلکه باعث تشدید اعتراضات آن ها نیز گردیده است. به عنوان مثال در روز چهارشنبه ۲۳ اکتبر اعتصاب سراسری در کشور آغاز شد و طبق آمار دولتی حدود ۴۲۴ هزار نفر در ۶۸ راهپیمایی مجزا در سراسر کشور شرکت کردند. بدون شک در یک آمار واقعی ارقام فوق به مراتب بیشتر از این نشان داده خواهد شد. در دومین روز اعتصاب سراسری (پنجشنبه ۲۴ اکتبر) صدها هزار نفر دیگر نیز به راهپیمایی ها و تظاهرات قهرآمیز خیابانی افزوده شدند. این سرعت گسترش تظاهرات، طبقه حاکم را دچار وحشت از سقوط ناگهانی حاکمیت موجود کرد، به طوری که رئیس جمهور شیلی در روز ۱۹ اکتبر پیام داد که "متواضعانه، صدای هموطنانم را شنیدم..." و اعلام کرد که ۳۰ پزو را که اخیراً به قیمت بلیط مترو سانتیاگو اضافه کرده بودند، برمی دارد. این فریبکاری او در حالی است که از مدتی پیش ۱۰۰ پزو به قیمت بلیط در ساعات اداری افزوده شده است. مردم شیلی که در مواجهه با افزایش فقر و گرسنگی و شکاف طبقاتی در کشورشان، به روشنی می دانند که سیستم سرمایه داری حاکم ریشه همه رنج و درد و ستم های اقتصادی - اجتماعی است که آن ها متحمل می شوند، فریب این گونه فریبکاری ها و قول و قرارهای ناچیز و عوامفریبانه دولت را نخورده و در شعارها و اعلامیه های خود خواهان سقوط دولت و رژیم شدند. مردم آگاه شیلی می دانند که خصوصی سازی های سال های اخیر منجر به ایجاد چنان فقر و نابرابری اقتصادی در شیلی شده که بنا بر گزارشات موسسات بین المللی، این کشور بالاترین سطح نابرابری اجتماعی در جهان را نمایندگی می کند. براساس داده های بانک جهانی (آمار سال ۲۰۱۷) یک

شیلی هستند و مهمترین صادرات این کشور را تولید می کنند، از ۱۶ اکتبر در برخی معادن اعتصاب را شروع کردند و از روز دوشنبه ۲۱ اکتبر اعلام اعتصاب عمومی کردند و معادن مهمی مانند معدن "اسکوندیدا" بزرگترین معدن کشور را تعطیل کردند. این خبر منجر به افزایش قابل توجه قیمت مس شد. شیلی تقریباً یک سوم از مس جهان را تأمین می کند. هر روز هزاران کارگر با جلیقه های زرد بر تن (مانند جلیقه زردهای فرانسه) در خیابان های شهرهای صنعتی شیلی رژه رفتند. تظاهرکنندگان در روز ۱۸ اکتبر همه ۱۳۶ ایستگاه متروی سانتیاگو را مسدود و عملاً تعطیل کردند و دوازده ایستگاه مترو را آتش زدند. آن ها دفاتر روزنامه طرفدار پینوشه و دفتر مرکزی شرکت خصوصی ایتالیایی "انل" (Enel) که کنترل ۴۰ درصد توزیع انرژی در شیلی را به عهده دارد را نیز به آتش کشیدند.

پاسخ دولت دست راستی "سیباستین پیانرا" (Sebastián Piñera) به تظاهرات مردم، اعلام حکومت نظامی (از روز شنبه ۱۹ اکتبر) و استقرار بیست هزار سرباز در خیابان های سانتیاگو و هزاران نفر در شهرهای دیگر و حمله مسلحانه به تظاهرکنندگان بود. به طوری که براساس آمارهای رسمی تاکنون بیش از ۱۸ نفر کشته، صدها نفر زخمی و حداقل پنج هزار نفر دستگیر شده اند. البته آمار واقعی به طور قطع بیش از این تعداد می باشد. گزارش های متعددی نیز در رابطه با ناپدید شدن و شکنجه زندانیان و تجاوز به زنان بازداشت شده منتشر شده اند. به عنوان مثال، یک گروه از دانشجویان زن به خبرنگاران گفتند که سربازها آن ها را مجبور به برهنه شدن کردند و به آن ها آب فشار قوی می پاشیدند و فریاد می زدند: "از کمونیست ها متنفریم".

یگان های ارتشی سراپا مسلح (با هر وسیله ای منجمله هلیکوپتر) به تظاهرکنندگان در خیابان ها و فروشگاه ها و پلازاها و پل ها و ... حمله کردند. فیلم هایی در رسانه های اجتماعی منتشر شده اند که نشان می دهند سربازان و

مردم آزادیخواه جهان در ماه اکتبر ۲۰۱۹ با خیزش انقلابی طبقه کارگر و زحمتکشان شیلی روبرو شدند که یادآور مقاومت قهرمانانه آن ها در مقابل دیکتاتوری پینوشه و امپریالیسم آمریکا در بیش از چهار دهه پیش است. دیدن صحنه های مقاومت و درگیری کارگران و جوانان انقلابی با سربازهای مسلح، و یا صحنه هایی مانند صدها نفر گیتار به دست که ترانه "حق زیستن در صلح" سروده "ویکتور خارا" ترانه سرا، شاعر و انقلابی شیلیایی را می نوازند و می خوانند و صدای انقلابی خود علیه رژیم دیکتاتور شیلی و امپریالیست های مدافع آن را به گوش جهانیان می رسانند، شور انقلابی را در قلب هر بیننده آزادیخواهی شعله ور می کند. (۱)

در ماه اکتبر، علاوه بر شیلی، شاهد گسترش خیزش های انقلابی - طبقاتی جدیدی در چندین کشور دیگر نیز بودیم. در واقع، خواسته های مشابه در بین طبقه کارگر و توده های مردم در کشورهای به ظاهر متفاوت (شیلی، عراق، لبنان و ...) منجر به شورش های اجتماعی بزرگ علیه شرایط استثمار و خفقان و فسادهایی گشته است که سلطه سرمایه داری وابسته به امپریالیسم در این کشورها ایجاد نموده و زندگی میلیون ها انسان را در چنبره فقر و فلاکت و مصیبت های گوناگون فشرده ساخته است. در این جا نگاهی به خیزش انقلابی کارگران و زحمتکشان شیلی می اندازیم.

افزایش چهار درصدی بلیط مترو در شیلی جرقه ای شد برای انفجار خشم مردم و شروع تظاهرات اعتراضی گسترده ای که نظم حکومتی سیستم سرمایه داری آن کشور را دچار بحران کرد. طبقه کارگر شیلی در اعتراضات اخیر خود با قاطعیت نشان داد که به شدت علیه حکومت دیکتاتور حاکم بوده و با آن مبارزه می کند. کارگران پس از فراخوان برای اعتصاب عمومی با هدف پایان دادن به حکومت نظامی، بیست بندر اصلی (شاهرگ های تجاری) را مسدود کردند. معدنچیان مس که تاریخاً مبارزترین بخش طبقه کارگر

بیشتر مبارزه طبقاتی با توجه به رشد شدید نابرابری های اقتصادی - اجتماعی است. به عنوان مثال در شیلی، نابرابری به سطح سال ۱۸۸۲ بازگشته است، به زمانی که تعداد انگشت شماری از سرمایه داران بزرگ که دارای روابط نزدیکی با امپریالیست های آمریکایی و اروپایی هستند (منجمله رئیس جمهور میلیاردر شیلی) همه سطوح دولت را کنترل می کنند.

شیوه برخورد وحشیانه طبقه حاکم با اعتراضات توده های مردم در شیلی از یک طرف نشان داد که طبقه حاکم در همه جای جهان با کوچکترین خدشه ای به حاکمیت اقتصادی سیاسی اش، به وحشیانه ترین شکلی مقابله خواهد کرد و از طرف دیگر اعتراضات کارگران و توده های مردم در شیلی آشکار ساخت که طبقه کارگر برای ایجاد شرایط جهت از بین بردن سیستم سرمایه داری ناگزیر است که خود را سازماندهی انقلابی کند و رهبری مبارزه برای به دست آوردن حقوق دموکراتیک و از میان برداشتن نابرابری های اقتصادی سیاسی را به عهده بگیرد. با درس گرفتن از وقایع شیلی و لبنان و عراق و ایران و ... کارگران مبارز و حامیان انقلابی آنان می توانند اعتراضات و اعتصابات گسترده اجتماعی کنونی را به پیش درآمدی برای مبارزه انقلابی رو به رشد و پیروزمند طبقه کارگر برای پایان دادن به سیستم سرمایه داری تبدیل کنند.

تهیه و تنظیم از سهیلا

اکتبر ۲۰۱۹

زیر نویس ها:

(۱) ویکتور خارا ترانه "حق زیستن در صلح" را علیه دخالت نظامی آمریکا در ویتنام سروده بود. به دنبال کودتای پینوشه، کودتاچیان جنایتکار دست های ویکتور خارا را شکستند و سپس او را تیرباران کردند. (۲) "سنهاتان" به منطقه ای در مرکز شهر سانتیاگو (شیلی) گفته می شود که مانند "منتهااتان" (مرکز نیویورک) مرکز دفتر اصلی موسسات مالی و شرکت هایی با سرمایه های افسانه ای می باشد.

سپردن پرداخت حقوق بازنشستگی و غیره به شرکت های خصوصی... این ها همه واقعیت هایی در شیلی می باشند و این واقعیات در یکی از شعارهای تظاهرکنندگان در شیلی به خوبی منعکس شده است: "این به خاطر ۲۰ پزو نیست، به خاطر ۲۰ سال است". (اشاره به افزایش سی پزو به بلیط مترو در سانتیاگو که محرک اولیه برای به صحنه مبارزه آمدن توده ها بود و سی سال افزایش نابرابری های طبقاتی از زمان کناره گیری پینوشه در ماه مارس ۱۹۹۰ تا کنون).

مردم معترض در لبنان نیز می گویند که سیاست های ریاضت اقتصادی تحمیل شده از طرف بانک جهانی و صندوق بین المللی پول یعنی دو نهاد امپریالیستی که آمریکا دست بالا را در آن دارد، از زمان پایان جنگ داخلی منجر به وخامت وضعیت زندگی اقتصادی و اجتماعی آن ها شده است. این ویژگی اعتراضات اخیر کارگران و زحمتکشان جهان نشان دهنده این واقعیت است که حاکمیت سرمایه مالی انگلی نظامی ایجاد کرده است که رشد بی وقفه نابرابری اجتماعی، انتقال ثروت از انبوه طبقه کارگر و زحمتکش سراسر جهان به یک گروه کوچک از سرمایه داران بزرگ را باعث شده و مبتنی بر سرکوب معترضین نسبت به این نظم می باشد. این نظم سیستم سرمایه داری امروز با خطر تجدید حیات سریع مبارزه طبقاتی طبقه کارگر جهانی روبرو شده است.

اوج گیری مجدد مبارزات طبقه کارگر شیلی، بخشی از شورش مجدد طبقه کارگر در سطح بین المللی منجمله در آمریکای لاتین علیه سیستم سرمایه داری می باشد. اعتصابات گسترده و تظاهرات علیه ریاضت اقتصادی در اکوادور و هندوراس، بخشی از مبارزات کارگری جهانی هستند. عامل اساسی چرخش طبقه حاکم در کشورهای سرمایه داری جهان به شیوه های سرکوب بسیار وحشیانه، که با اشکال حاکمیت دموکراتیک سرمایه داری کلاسیک و شبه کلاسیک متفاوت است، رشد هر چه

درصد از جمعیت، بیش از ۲۲ درصد از درآمد ملی را هر ساله به جیب می زند. اخیراً نیز شیلی بهشتی برای سرمایه های مالی خارجی نامیده شد، و این فراتر از آن چیزی است که دیکتاتوری پینوشه قادر به انجام آن بود.

گزارشی از "نیویورک تایمز" به شکل فریبکارانه ای بخشی از حقایق اجتماعی شیلی را بیان نموده و تظاهر به دلسوزی برای مردم آن کشور کرده است. در سرمقاله این نشریه ۲۴ اکتبر آمده است: "خشم معترضین شیلی ناشی از ناامیدی های زندگی روزمره آن هاست. آن ها با نابرابری های اقتصادی فوق العاده ای روبرو هستند. با اینکه سانتیاگو یک شهر بسیار ثروتمند است و از بالای بلندترین ساختمان آمریکای جنوبی که در مرکز شهر در محله ای به نام "سنهاتان" قرار دارد (۲) می توان آپارتمان های بسیار لوکس و بیمارستان ها و مدارس خصوصی و نمادهای ثروت را تا آن جا که چشم کار می کند، دید، اما فقر سانتیاگو نیز در حومه این کلان شهر چشمگیر است. بیمارستان های عمومی ای که در حال ویران شدن هستند، مدارس شلوغ و کپر نشین ها و ... و دورتر از سانتیاگو نیز شهرهایی وجود دارند که در آن ها خبری از رونق اقتصادی نیست".

آن چه که نیویورک تایمز نمی گوید این است که با توسعه سرمایه های مالی امپریالیستی و تشدید سلطه آن ها بر کشورهای وابسته و به نابودی کشاندن زندگی طبقات تحت ستم، مبارزه طبقاتی در سراسر جهان (هر زمان و هر جا که شرایط مساعدتر است) تشدید خواهد شد.

یکی از ویژگی های قابل توجه (و مشترک) در اعتراضات مردم شیلی و کشورهای دیگر چون اکوادور، عراق و لبنان، اعتراض آن ها علیه سیاست های ریاضت اقتصادی و نابرابری های اقتصادی - اجتماعی و فقر و فلاکتی است که در ۲۰ سال گذشته تشدید شده است. کاهش خدمات شهری، باز گذاشتن دست بخش خصوصی و در نتیجه آن کاهش دستمزدها به میزانی زیر خط فقر، قوانین ضدکارگری،

به یاد گرامی بهروز دهقانی... از صفحه ۱۹

فرق اساسی با شرایط بعد از کودتا داشت: دیگر کسی نمی توانست به شعارهای گذشته، به شیوه های کهنه مبارزه و اشکال مهجور سازمانی اعتماد کند." - در اینجا بی مناسبت متذکر شوم که متأسفانه همین تجربه گرانها در طی سالهای ۱۳۶۰-۱۳۵۷ (با در نظر گرفتن همه تفاوت ها بین دو شرایط) توسط سازمانهایی که ماهیت خرده بورژوازی داشتند نادیده گرفته شد. آنها با این توهم که گویا بعد از قیام بهمن ۱۳۵۷، حکومت مردمی بر سر کار آمده و امپریالیستها (به راحتی) از سلطه خود در ایران دست کشیده اند، به مماشات با جمهوری اسلامی پرداختند و با زیر پا گذاشتن درس های تجارب منفی اوایل دهه چهل، درست مثل آن دوره، راه مبارزه قانونی و مسالمت آمیز علنی را در پیش گرفتند تا آنجا که مثلاً بهترین و خوشنام ترین اعضای خود را به عنوان کاندید انتخاباتی برای مجلس تحت حاکمیت جمهوری اسلامی که به واقع حکومت دست نشانده امپریالیستها بود (و می باشد) معرفی نمودند. در توصیف تئوریک این امر باید گفت که اگر بعد از اصلاحات ارضی و حاکمیت سیستم سرمایه داری و تحکیم هر چه بیشتر سلطه امپریالیسم در ایران، بورژوازی ملی دیگر به عنوان یک طبقه به تدریج راه افول طی کرده و بالاخره از بین رفته بود، حال، این خرده بورژوازی در شکل های جدیدش بود که نمایندگان متوهم و نادان خود را به صحنه فرستاد تا تأثیرات مخرب خود را در آن سالهای تاریخ ساز ۱۳۶۰-۱۳۵۷ به جای بگذارند. پس از سپری شدن "فضای باز سیاسی" بین سالهای ۴۱-۱۳۳۹، جو اختناق و دیکتاتوری بار دیگر و این بار شدیدتر از پیش بر جامعه مستولی گشت. رژیم شاه که با "انقلاب سفید" کذایی اش عهده دار تسهیل نفوذ هر چه بیشتر سرمایه های امپریالیستی در شهر و روستاهای ایران شده بود، حالا دیگر بی محابا با کمترین مخالفت ها و اعتراضات مردمی با زبان گلوله پاسخ می گفت.

(ادامه دارد)

در باره خیزش توده ها در عراق



با تداوم مبارزات توده های به پا خاسته در عراق، دولت دست نشانده امپریالیسم آمریکا در این کشور، دولت عادل المهدی، از دیروز دوشنبه ۲۸ اکتبر ۲۰۱۹ در بغداد اعلام حکومت نظامی نمود. اما توده های رنجیده ای که از تحمل سال ها ظلم و ستم و دیکتاتوری و شرایط ناامن در زندگی، به ستوه آمده و جانشان به لب رسیده است با حضور شجاعانه و قهرمانانه خود در ساحة التحرير (میدان آزادی) این شهر، آن هم در شرایطی که مزدوران رنگارنگ طبقه حاکمه بی محابا به مردم شلیک می کنند، از تمکین به مقررات حکومت

نظامی سر باز زده، آن را به مسخره گرفته و عجز و شکست دشمنانشان را در مقابل قدرت متحد خود به آنان یادآور شدند. از روز پنجشنبه ۲ آبان ماه ۱۳۹۸ (۲۴ اکتبر ۲۰۱۹) دور جدیدی از اعتراضات توده های ستمدیده، کشور همسایه ما عراق را فراگرفته است. توده های به پا خاسته در عراق همچون دور قبل - که از روز سه شنبه اول اکتبر ۲۰۱۹ شروع شده بود - در شرایطی دوباره علیه دولت دست نشانده عادل المهدی به پا خاسته اند که تشدید و گسترش بیکاری، فقر و گرسنگی، فساد فزاینده در دستگاه های دولتی و در بین مسئولین دولتی و همچنین عملکردهای ارتجاعی و قلدنرمنشانه دستجات مسلح وابسته به گروه های گوناگون مذهبی و سیاسی که پرو بیانی در این کشور پیدا کرده و با اعمال دیکتاتوری و اذیت و آزار مردم، امنیت را از زندگی آن ها سلب نموده اند، خشم و نفرت بیکرانی را در وجود آنان تلنبار نموده و اینک آنان برای رسیدن به رفاه و آزادی به قیام برخاسته و خواهان سرنگونی دولت حاکم می باشند.

در طول مبارزات برحق، عادلانه و انقلابی توده های رنج دیده، نیروهای مسلح ارتجاع از ارتش آمریکا ساخته عراق و مزدوران رنگارنگ طبقه حاکمه گرفته تا "حشد الشعبی" و "عصائب اهل الحق" که دست ساز جمهوری اسلامی ایران می باشند با وحشیگری تمام و بی محابا به روی مردم غیر مسلح شلیک کرده و آن ها را در خون می غلطانند. اما توده هایی که تحمل سال ها ظلم و ستم و دیکتاتوری و ناامنی در زندگیشان، جان آنان را به لب رسانده و خشم و نفرت را در دل هایشان متراکم و انباشته ساخته است، علیرغم همه وحشیگری دشمنانشان همچنان قهرمانانه در خیابان مانده اند.

در دور جدید خیزش مردمی و انقلابی در عراق شهرهای مختلف از جمله بغداد، ناصریه، نجف، کربلا، دیوانیه، سماوه، عماره، صحنه درگیری های شورانگیز بین توده های انقلابی جان به لب رسیده با انواع رنگارنگ دشمنانشان بود. برای نمونه روز جمعه توده های بیپاخاسته به گروه های دست ساز جمهوری اسلامی از جمله "عصائب اهل الحق" و همچنین به مرکز وابسته به "نوری المالکی" موسوم به "دولت قانون" در شهر کوت یورش برده و تعداد زیادی از دفاتر آن ها را به آتش کشیدند. همچنین آن ها در بصره گوشمالی سختی به نیروهای مسلح ارتجاع دادند؛ به طوری که از افتادن بصره به دست مردم سخن رفت. این حضور گسترده در خیابان ها و به آتش کشیدن نماد های سرکوبگران مردم در شرایطی است که بنا به آمار دولتی تنها در همین چند روز گذشته بیش از ۴۰ تظاهرکننده کشته و چند صد نفر مجروح شده اند. همچنین نباید فراموش کرد که در دور قبلی نیز بیش از ۱۵۰ تظاهر کننده کشته و چند هزار نفر مجروح شده بودند. به گزارش خبرگزاری "رویترز" نیز نتایج کار یک کمیسیون تحقیق دولتی که جهت بررسی ابعاد خشونت ها در دور اول اعتراض ها در این کشور شکل گرفته بود نشان می دهد که دست کم ۱۴۹ تن از شهروندان غیرنظامی بر اثر "خشونت بیش از حد" مأموران کشته شده اند. بر اساس این گزارش **۷۰ درصد قربانیان بر اثر اصابت گلوله مستقیم مأموران به سر و سینه شان** جان خود را از دست داده اند. البته، با همه این اوصاف، بیشرمی نخست وزیر عراق تا آن جاست که مدعی شده که به مأموران دستور تیراندازی نداده است!! برای درک زمینه های این درجه از خشونت دولتی و همچنین تهور و بی باکی مردم در مقابله با سرکوبگرانشان، باید به اوضاعی که بر اثر اشغال این کشور به

وسیله امپریالیسم آمریکا در سال ۲۰۰۳ ایجاد شده، متمرکز شد. همان طور که می دانیم امپریالیسم آمریکا در سال ۲۰۰۳ با اعزام نیروهای مسلح خود به عراق این کشور را به تصرف خود در آورد و دستگاه دولتی و ارتش دست نشانده خود را سازمان داد. چند سال بعد از اشغال عراق، آمریکایی ها مدعی شدند که از عراق خارج شده اند، اما واقعیت آن است که هزاران مستشار آمریکایی در عراق باقی ماندند که دستگاه دولتی و ارتش آن را هدایت و کنترل می کنند. از طرف دیگر به رغم همه شعارهای بی محتوایی که طرفداران ولایت فقیه در ایران علیه آمریکا سر می دهند، بخشی از بار حفاظت از دولت دست نشانده آمریکا در عراق به دوش جمهوری اسلامی افتاد. در این پروسه بود که سپاه قدس و طرفداران جمهوری اسلامی به منظور کمک به دولت عراق جهت کنترل و تحت سلطه نگاه داشتن توده ها، دم و دستگاهی در این کشور برای خود ایجاد و سازمان دادند. اتفاقا رژیم جمهوری اسلامی همواره علناً نیز حمایت خود از دولت عراق را اعلام می کند. در چنین اوضاعی است که امروز شاهدیم مردمی که برای سرنگونی دار و دسته حاکم بر عراق که دست نشانده آمریکاست بی پروا بیپاخاسته اند، در همان حال علیه نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی وارد نبرد شده، دخالتهای های جمهوری اسلامی در عراق را محکوم و نمادهای این رژیم را به آتش می کشند.

از زمان شکل گیری مبارزات مردم عراق، رسانه های ارتجاعی جهت انحراف افکار عمومی، با کتمان شدت ظلم و ستمی که حتی بیشتر از دوره صدام بر مردم رنجیده می گذرد و به همین دلیل امروز با لبریز شدن کاسه صبرشان به قیام علیه دولت مرکزی و همه نیروهای مرتجع و سرکوبگر در کشورشان برخاسته اند، سعی کرده اند دلایل غیر واقعی برای خیزش توده های ستمدیده این کشور عنوان کنند. در موردی دیگر در جهت لاپوشانی چهره جنایتکار دولت دست نشانده عراق، کوشیده اند مبارزات مردم عراق را صرفاً علیه جمهوری اسلامی جا بزنند. اما این ترفند ها اتفاقاً وظیفه نیرو های انقلابی در عراق را نیز روشنی می بخشد. چرا که به آن ها گوشزد می کنند که نه فقط باید علیه نفوذ جمهوری اسلامی در کشور خود مبارزه کنند بلکه جهت اصلی مبارزه خود را در نابودی سلطه امپریالیسم و به خصوص امپریالیسم آمریکا قرار دهند و نباید فریب دسیسه ها و فریبکاری های آمریکایی ها را بخورند که هر وقت منافعشان حکم کند می توانند دولت عادل المهدی را با دار و دسته دیگری تعویض کنند، امری که عملاً خواست واقعی مردم عراق را به حاشیه می راند. نباید فراموش کرد که همین آمریکایی ها بودند که پس از اشغال عراق یکی از سیاستمداران خود به نام "پال برمر" را به عنوان "حاکم" این کشور تعیین نمودند. اما خیلی زود متوجه خطای خود شده و سپری شدن دوران استعمار کهنه را پذیرفته و به سبک استعمار نو عمل کردند. آن ها دولتی از خود عراقی ها بر سر کار آوردند و بعد هم مدعی شدند که اصلاً از عراق خارج شده اند. در حالی که سیستمی در این کشور شکل داده اند که تا مغز استخوان به خودشان وابسته است. واقعیت این است که از جنگ جهانی دوم به بعد، اساس سیاست امپریالیسم در کشور های تحت سلطه بر مبنای استعمار نو تنظیم گشته است، به این صورت که کشوری که از لحاظ اقتصادی، سیاسی و نظامی به طور قطع به امپریالیسم وابسته است را با برگماردن یک رژیم بومی از خود آن کشور، ظاهراً مستقل جلوه داده اند تا هم دستان خود از همه جنایاتی که الزام حفظ سلطه اشان می باشد را از چشم مردم لاپوشانی کنند و هم قدرت مانور بیسابقه ای جهت حفظ منافع خود در کشورهای تحت سلطه خویش پیدا نمایند؛ مثلاً در مواقع ضروری با تعویض مهره های خود سلطه خود را همچنان پا بر جا نگاه دارند. با تکیه بر چنین واقعیتی، این وظیفه نیروهای انقلابی است که ترفند ریاکارانه نو استعماری امپریالیسم را افشاء نموده و به توده ها کمک کنند که چهره دشمن اصلی خود را شناخته و با مبارزات خود نه فقط موجب سرنگونی رژیم های حاکم گردند، بلکه سلطه و دست امپریالیست ها را هم از کشور خود کوتاه نمایند.

نابود باد امپریالیسم و دست نشانندگانش در منطقه
پیروز باد مبارزات دلاورانه خلق های عراق

هر چه مستحکمت باد همبستگی مبارزاتی خلق های
ایران و عراق

چریکهای فدایی خلق ایران
هفتم آبان ۱۳۹۸ - بیست و نهم اکتبر ۲۰۱۹

گزارش کوتاهی از تظاهرات در همبستگی با توده های بیخاسته ایران استکهلم - سوئد



در پی خیزش توده های بیخاسته میهنمان به دنبال سه برابر شدن قیمت بنزین و سرکوب و کشتار آن ها توسط رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، روز سه شنبه ۱۹ نوامبر ۲۰۱۹ از ساعت چهار و نیم بعدازظهر تظاهراتی در بالای میدان "سرگل" استکهلم در دفاع از مبارزات آزادیخواهانه توده های جان به لب رسیده برگزار شد. با توجه به این که مردم به بهانه گران شدن بنزین به خیابان ها ریخته ولی کل حاکمیت جمهوری اسلامی را آماج حملات خود قرار داده اند، شعار مرگ بر جمهوری اسلامی به دو زبان فارسی و سوئدی در طول تظاهرات، شعار اصلی بود. در این تظاهرات که فعالین احزاب و سازمان های سیاسی در آن شرکت داشتند، شعار "زنده باد سوسیالیسم" نیز به زبان های فارسی و سوئدی از سوی تظاهركندگان فریاد زده شد.

تظاهركندگان در این حرکت اعتراضی، همبستگی خود را با توده های بیخاسته اعلام و وحشیگری و سرکوب مردم توسط دیکتاتوری حاکم را محکوم نمودند.

پیروز باد رزم دلاورانه توده های بیخاسته
در ایران!
جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته
نابود باید گردد!

سازمان هواداران چریکهای فدایی خلق ایران
در استکهلم - سوئد

۳۰ آبان ۱۳۹۸ - ۲۱ نوامبر ۲۰۱۹

گزارش تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی در حمایت از خیزش مردم ایران اسلو - نروژ



در پی خیزش مردم جان به لب رسیده میهنمان و سرکوب و کشتار آن ها توسط رژیم جنایتکار حافظ منافع سرمایه داران حاکم بر کشور، فراخوان هایی توسط برخی از احزاب و نیروهای سیاسی در جهت اعتراض به این بگیر و ببند و سرکوب و کشتار مردم اسیر، در شهر اسلو نروژ انتشار یافت و در روز سه شنبه ۱۹ نوامبر، اکسیونی در مقابل سفارت رژیم دار و شکنجه حکومت اسلامی در اسلو نروژ برپا گردید.

علیرغم هوای بشدت بارانی، جمع قابل توجهی از هواداران و فعالین احزاب و سازمان های سیاسی در ساعت سه بعد از ظهر به وقت اسلو در مقابل سفارت گرد هم آمدند و ضمن حمایت از خیزش مردمی اخیر به افشای رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی پرداختند. در این حرکت اعتراضی که به رغم هوای نامساعد به مدت یک ساعت ادامه داشت، شعارهایی مانند "مرگ بر جمهوری اسلامی"، "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد"، "مرگ بر دیکتاتور"، "زنده باد انقلاب"، "زنده باد سوسیالیسم" از طرف شرکت کنندگان سر داده شد. همچنین در جریان این حرکت، اطلاعیه هایی در محکومیت اعمال ضد خلقی جمهوری اسلامی از سوی شرکت کنندگان در تظاهرات قرائت شد که در آن ها بر ضرورت دفاع از مبارزات مردم و اتحاد و همبستگی خلق های ایران در جهت مبارزه تا سرنگونی حکومت و دشمنان جبار مردم ایران تاکید شده بود.

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در اسلو، که یکی از فراخوان دهندگان این حرکت بودند، جهت حمایت از مبارزات هم میهنان مان در داخل کشور، با حمل پرچم بزرگی حاوی شعار "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد" همراه با دیگر سازمان های مبارز و نیروهای سیاسی در این اکسیون حضور داشتند.

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!
هر چه پر خروش تر باد مبارزات مردم ایران برای
"نان، مسکن، کار و آزادی"
زنده باد انقلاب!

فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در اسلو - نروژ
۲۰ نوامبر ۲۰۱۹

برقرار باد اتحاد تمام نیروهای انقلابی و همه خلقهای تحت ستم سراسر جهان!

مردم مبارز اهواز و خوزستان و خلق عرب این منطقه را به ایادی بیگانه و به خصوص به عربستان نسبت می دهد.

هر زمان توده های عرب برای تحقق خواست های برحق خویش و از جمله رهایی از ستم ملی به پا خاسته اند جمهوری اسلامی بلافاصله آن ها را به جدائی طلبی متهم نموده است. شکی نیست که در این میان دولت هایی همچون عربستان در رقابت هایشان با جمهوری اسلامی هم می کوشند در میان توده های تحت ستم دیکتاتوری ضد مردمی حاکم برای خود جا پایی باز کنند و چه بسا که افرادی نیز از روی ناآگاهی در این میان پرچمی بلند کنند که مفهوم جدائی طلبی بدهد. ولی واقعیت این است که آن چه توده های تحت ستم را

علیرغم آگاهی به سرکوب های وحشیانه رژیم به خیابان می کشاند شرایط ظالمانه اقتصادی و سیاسی است. آن ها به میدان مبارزه پا می گذارند تا بتوانند به زندگی بدون فقر و فلاکت و ستم و استثمار و به نان، کار و آزادی و از جمله آزادی و رهایی از ستم ملی دست یابند. اما رژیم و همه دشمنان مردم ما با رسانه هایشان، توده های به پا خاسته - چه عرب باشند، چه تُرک و گُرد و غیره - را به تجزیه طلبی متهم نموده و از این طریق می کوشند در اتحاد خلق های تحت ستم شکاف اندازند. آن ها با کوشش در محروم کردن یک خلق به پا خاسته از پشتیبانی دیگر خلق های ایران و با ایجاد وحشت از تجزیه کشور و یا بقول خودشان "بالکانیزه" شدن ایران سعی دارند هر خلق به پا خاسته را جداگانه سرکوب و منزوی سازند.

در تقابل با دسیسه چینی های ارتجاع برای تفرقه افکنی بین توده های تحت ستم ایران، وظیفه نیرو های انقلابی و پیشرو تاکید بر ضرورت اتحاد کارگران و خلق های تحت ستم جهت نابودی جمهوری اسلامی و رسیدن به آزادی و دموکراسی می باشد. اتفاقاً شرط رسیدن به حق تعیین سرنوشت خلق های تحت ستم ما همانا برقراری یک شرایط آزاد و دموکراتیک می باشد که این نیز تنها با اتحاد مبارزاتی کارگران و ستمدیدگان و خلق های تحت ستم در سراسر کشور به دست می آید.

چریک های فدایی خلق ایران ضمن حمایت و پشتیبانی از مبارزات برحق خلق عرب و همه مردم اهواز با تاکید بر ضرورت اتحاد همه ستمدیدگان، جهت نابودی جمهوری اسلامی و اربابان امپریالیستش، خلق عرب خوزستان را به اتحاد هر چه فشرده تر با دیگر خلق های تحت ستم ایران فرا می خوانند.

برقرار باد اتحاد تمام نیرو های انقلابی و تمام

خلق های سراسر جهان!

نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!

چریک های فدایی خلق ایران

۲۱ آبان ۱۳۹۸ - ۱۲ نوامبر ۲۰۱۹

توضیح "پیام فدائی"

خوانندگان گرامی!

با توجه به مسایل مرتبط با قیام آبان ماه در ایران و خیزش توده های تحت ستم در عراق و حجم مطالب موجود در زمینه این تحولات مهم، موفق به درج تمامی مطالب رسیده در این شماره نشریه "پیام فدایی" نشدیم. مطالب دریافتی در شماره های بعدی "پیام فدایی" درج خواهند شد.



خیزش خشمگینانه مردم مبارز

اهواز علیه سرکوبگری های

جمهوری اسلامی!

در ۱۹ آبان (۱۳۹۸) خشم فرو خفته مردم مبارز اهواز یک بار دیگر و این بار با مرگ مشکوک شاعر جوان عرب به نام حسن حیدری، خیابان های این شهر را به آتش کشید. مردم اهواز و به خصوص توده های یکی از فقیرترین و در عین حال مبارزترین محلات این شهر یعنی کوت عبدالله، با اطمینان از این که آن شاعر جوان توسط

اطلاعاتی های رژیم جمهوری اسلامی به قتل رسیده است، با برافروختن آتش و با انداختن درخت های نخل و با هر چه می توانستند جاده های اصلی شهر را بستند. به گزارش خبرگزاری ها، حسن حیدری همواره مورد اذیت و آزار و تهدید های وزارت اطلاعات قرار داشت و یک بار نیز در سال ۱۳۹۷ بازداشت و بعد از مدتی آزاد شده بود. از بستگان این شاعر جوان نقل می شود که: "در ابتداء حسن حس کرد که مسموم شده، نصف شب او را به بیمارستان منتقل کردیم و در همان لحظات اولیه پرستاران سعی کردند به او کمک کنند؛ اما بامداد امروز دچار تشنج شد... به ما گفتند در اثر تسمم سگته گرفت و جان خود را از دست داد". همچنین بستگان وی تاکید می کنند که "حسن از سلامت خوبی برخوردار بود و جوان تنومند و سالمی بود و از هیچگونه بیماری یا مشکلات قلبی که سبب سگته می شوند، رنج نمی برد."

علیرغم این که تجمع شبانه مردم در ۱۹ آبان ۱۳۹۸ مورد هجوم نیروهای انتظامی رژیم قرار گرفت، با این حال مردم اهواز در روز ۲۰ آبان نیز با حضور در خیابان ها دست به تظاهرات زدند که گسترده تر از روز قبل بود. در این تظاهرات توده های مبارز و پر خشم و کین، با سر دادن شعار به زبان عربی و "یزله خوانی" خشمگینانه که در فرهنگ عزاداری خلق عرب مرسوم است، کینه و نفرت به حق خود را از رژیم دار و شکنجه جمهوری اسلامی ابراز داشتند. در جریان این تظاهرات پرچم های جمهوری اسلامی در میان شور و خشم انقلابی توده ها به زیر کشیده شدند.

به پا خاستن کنونی توده های تحت ظلم و ستم اهواز در حالی است که در چند کیلومتری آنان شعله های مبارزات توده های جان به لب رسیده عراق علیه آمریکا و مزدورانش، هر روز شعله ورت و سرکش تر می گردد و توده های عراقی به خصوص در شهرهای جنوبی، مستقیماً با نیروهای وابسته به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی دست به نبرد سلحشورانه زده و بنرها و آثار این رژیم منغور توده های خاورمیانه را پاره کرده و می سوزانند. این واقعیت، رژیم حاکم بر ایران را بیش از پیش در ارتباط با انفجار خشم توده های تحت ستم اهواز، دچار خوف و هراس شدیدی ساخته است. به همین خاطر، دست اندرکاران این رژیم خود را مجبور می بینند با اعمال خشونت هرچه شدیدتری، فریاد مبارزاتی این توده های دلاور را هر چه زودتر در نطفه خفه سازند.

شکی نیست که مرگ مشکوک حسن حیدری در شرایطی موجب چنین برخوردهای خشمگینانه و انقلابی مردم اهواز گشته که این توده ها و به خصوص توده های مبارز عرب تحت شدیدترین فشارها ناشی از فقر و فلاکت و سرکوب و دیکتاتوری قرار دارند. باید روی این واقعیت تاکید کرد که تحت سلطه جمهوری اسلامی، عرب زدائی حتی بیشتر از دوران رضا شاه که بانی شوینیسیم و ایجاد تفرقه و نفرت مابین ملیت های تشکیل دهنده ایران بود، رواج یافته و امروز به خصوص خلق عرب بیش از هر وقت دیگر شدیداً متحمل ستم ملی است. این امر موجب گشته که این خلق به درستی به دفاع از حق انسانی و هویت خود برخیزد. در چنین شرایطی است که جمهوری اسلامی هر حرکت حق طلبانه

پیرامون عوامفریبی های جمهوری اسلامی در آزادی دستگیر شدگان اخیر!



در روزهای اخیر ، تعدادی از دستگیر شدگان مراسم روز جهانی کارگر در جلوی مجلس و دستگیر شدگان در ارتباط با مبارزات کارگران هفت تپه و همچنین اسماعیل بخشی از نمایندگان کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه که در میان نفرت افکار عمومی به حبس های طولانی مدت محکوم گشته اند، با وثیقه های سنگین به طور موقت از زندان آزاد شدند.

امروز ، بر بستر خشم و نفرت به حق مردم ما و بویژه کارگران محروم از کلیت رژیم جمهوری اسلامی و نسبت به بگیر و ببند و محکوم کردن دستگیر شدگان به زندان های طویل المدت، شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به درستی در هر گوشه این مملکت پژواک یافته است. از این روست که آزادی این زندانیان از چنگال شکنجه گران و پیوستن آن ها به خانواده ها و عزیزانشان خواست همه نیروهای آزادیخواه و به خصوص کمونیست های راستین بوده و می باشد. اما در مورد زندانیان نامبرده واقعیت این است که رژیم با بستن محکومیت های سنگین به آنان، این زندانیان را تنها به طور موقت از زندان آزاد نموده و شمشیر دستگاه سرکوب سرمایه داران را بر بالای سر آن ها قرار داده است تا از خط و مرزهای تعیین شده دیکتاتوری حاکم قدمی فراتر نهند - که معنی آن حتی عدم مبارزه برای تحقق بدیهی ترین خواست های کارگران می باشد.

نیازی به تاکید نیست که با توجه به وثیقه های کمر شکن و شرایط حاکم بر به اصطلاح آزادی دستگیر شدگان، همه می دانند که گرچه این زندانیان اکنون خوشبختانه در خارج از زندان به سر می برند، اما تمام هستی و معاش و زندگی آنان همچنان با زنجیرهایی محکمتر از قبل، در دست زندانیان دژخیمی قرار دارد که تمامی جامعه تحت سلطه ما را به یک زندان بزرگ تبدیل کرده و هر لحظه که اراده کنند ، هر زندانی آزاد شده را بدون ارتکاب هیچ جرمی دوباره به شکنجه گاه های خویش بر خواهند گردانید تا برنامه های ضد خلقی و سرکوبگرانه خویش علیه کارگران محروم را اجرا کنند. این حقایق نشان می دهند که در ورای آزادی این زندانیان هر مصلحت از سوی حاکمان استثمارگر می تواند وجود داشته باشد مگر رحم و مروت و عدالت و اصلاح! این در حالی است که در درجه اول این آزاد شدگان ، آن هم به طور موقت اساساً نمی بایست توسط مزدوران رژیم دستگیر می شدند. اصولاً، شرکت در مراسم روز کارگر که جمهوری اسلامی برای بزرگ کردن چهره دیکتاتور خود در انظار جهانی آن را قانونی اعلام کرده چرا باید باعث حبس و محکومیت قضائی گردد؟ یا مگر کارگران هفت تپه از سرمایه داران زالو صفت و حکومت مدافع آن ها چه چیزی جز حقوق انسانی و مطالبات بر حق خویش را می خواستند که با چنان یورش وحشیانه به تجمعات مسالمت آمیزشان مواجه شدند و نمایندگان شان به شکلی ددمنشانه دستگیر و شکنجه و زندانی گشتند؟

واقعیت این است که آزادی مشروط و با وثیقه های سنگین به اصطلاح زندانیان آزاد شده اخیر، یکی دیگر از مانورهای حکومت سرمایه داران است که با اشاعه توهم نسبت به ماهیت نظام دیکتاتوری حاکم، تلاش می کنند تا برای مدتی هم که شده چهره کارگر کش دیکتاتوری حاکم را بزرگ کنند و رسوایی محکومیت های سنگین و بی ربط این زندانیان را به افراد و دسته های خاصی در حاکمیت نسبت داده و کل رژیم را از آماج خشم کارگران

و نیروهای آزادیخواه جامعه مصون دارند. همانطور که می دانیم از مدت ها پیش، مهره هایی از رژیم با پر مصلح و نشان دادن ظاهراً "دلسوزی" خود برای کارگران و فعالین کارگری به ابراز برخی "انتقادات" نسبت به صدور احکام طولانی مدت برای آنان می پرداختند که البته مبداء اش پس از آن بود که رئیس قوه قضائیه، سید ابراهیم رئیسی که یکی از جلادان خون آشام دهه ۶۰ و قاتل هزاران تن از آزادیخواهان ایران می باشد، قیافه "منصف" به خود گرفته و دستور "ویژه های" برای "تجدید نظر و رسیدگی منصفانه" در مورد "احکام صادره در برخی پرونده های اخیر"، صادر نمود. واضح است که این مانورها و توهم پراکنی ها در خدمت رواج اصلاح طلبی و امیدوار نگاه داشتن نیروهای سازشکار در جامعه بود. امروز نیز همان ها می کوشند آزادی موقت زندانیان اخیر را نشانه "عدالت" و "اعتدال" در جمهوری اسلامی و نشانه ای از "اصلاح پذیر بودن" آن جا بزنند و چهره کارگر ستیز و تبهکار نظام حاکم را استتار کنند.

باید بدانیم که رواج ایده های اصلاح طلبانه نه فقط از طرف خود دم و دستگاه رژیم (که در مواجه با خشم و نفرت بیگران کارگران و زحمتکشان از جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری حاکم، خود را ناچار به این کار می بینند)، بلکه از طرف مرتجعین دیگر و حتی نیروهای آزادیخواهی هم صورت می گیرد که بنا به ماهیت طبقاتی خرده بورژوازی خود در توهم نسبت به عملکردهای مکارانه رژیم به سر می برند. این دسته آخر مانور جمهوری اسلامی در آزاد کردن موقت زندانیان نامبرده - آن هم در شرایطی که محکومیت های طولانی مدت و وثیقه های سنگینی برای آن ها تعیین کرده اند که همچون شمشیری بالای سر آزادشدگان قرار گرفته و همواره به آن ها خطر زیر پا گذاشتن خط و مرزهای تعیین شده را گوشزد می کند - را کودکانه به حساب عقب نشینی رژیم گویا به خاطر تبلیغات اعتراضی در رابطه با آن زندانیان به خصوص در خارج از کشور به حساب می آورند. اینان هنوز ماهیت جنایتکار و در عین حال مکار و حیل گر رژیم جمهوری اسلامی را نشناخته اند و نمی توانند ببینند که "اعطای آزادی" به گروهی از زندانیان با اتهامات کارگری در شرایطی صورت می پذیرد که دستگاه سرکوب این رژیم کارگر ستیز و جنایتکار، روزی نیست که کارگران محروم را که تنها برای مطالبه حق زندگی و دریافت دستمزد به اعتراض دست می زنند، دستگیر و شکنجه نکرده و با زندان و شلاق و تبعید محکوم نکند. حمله وحشیانه اخیر نیروهای مسلح این رژیم به کارگران هپکو و به خون کشیدن آخرین تجمعات مسالمت آمیز کارگران آذربایجان و دستگیری ده ها تن از آنان و یا برای نمونه، دستگیری نمایندگان کارگران هفت تپه که برای "مذاکره" با مقامات حکومت حول خواست های کارگران به تهران دعوت شده بودند و همگی به اسارت گرفته شده و با تعهد و به صورت موقتی آزاد شدند، همه و همه نشان می دهند که جمهوری اسلامی ضد خلقی از دستگیری ها و آزادی های اخیر اساساً در جهت کنترل و سرکوب جنبش کارگری و تحکیم موقعیت و سلطه جهنمی اش علیه کارگران و کل جامعه استفاده کرده و خواهد کرد.

آزادی گروهی از زندانیان سیاسی و فعالین کارگری هفت تپه فرصتی ست تا تمامی انسان های آزادیخواه و نیروهای مبارز و انقلابی برای تبدیل این آزادی موقت به آزادی همیشگی و همچنین آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران زندانی گمنام و همه زندانیان سیاسی دیگر، بکوشند و برای تحقق این هدف، امر مبارزه جهت سرنگونی رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی را با گام های هر چه بلندتری به پیش ببرند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!

چریکهای فدایی خلق ایران

۹ آبان ۱۳۹۸ - ۲۱ اکتبر ۲۰۱۹

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی ست!

نیروهای ارتش شاهنشاهی، دختر جوان آن مادر را، به همراه داماد و کودک تازه متولدشده‌شان، در تهران به رگبار مسلسل بسته و خونشان را بر زمین ریخته بودند. آن مادر می‌گفت که دختر و نوه و داماد من، داشتند از خیابان می‌گذاشتند که به مسلسل بسته شدند". بی‌شک آبا شرح کامل این جنایت رژیم شاه را برای بهروز تعریف کرده بود.

آنچه در خرداد سال ۱۳۴۲ رخ داد، برای بهروز، سومین رویداد تاریخی خونین بود که تجربه می‌کرد. او در هفت سالگی پس از فرار رهبران فرقه دموکرات، در مدرسه و کوچه و خیابان اعمال وحشیانه طبقات استثمارگر و ارتش شاهنشاهی علیه توده‌های مردم را به چشم دیده بود. در ۱۴ سالگی شاهد اعمال جنایت بار مزدوران کودتاچی ۲۸ مرداد (۱۳۳۲) بود و حال در ۲۴ سالگی سرکوب‌های خونبار توده‌ها توسط مأموران رژیم شاه را تجربه می‌کرد. تمامی این واقعیات و مشاهده زندگی پر رنج و درد کارگران و زحمتکشان از نزدیک که هم طبقه‌ای‌های خود وی بودند همراه با درک علت اصلی و پایه‌ای ظلم‌ها و ستم‌ها و حق‌کشی‌های گسترده در جامعه که خود در درون آنها می‌زیست، خشم و نفرت نه فقط از رژیم دیکتاتور شاه بلکه از همه ستمگران و استثمارگران و کل جامعه طبقاتی را در دل او هر چه فروتر ساخته و بارور می‌کرد.

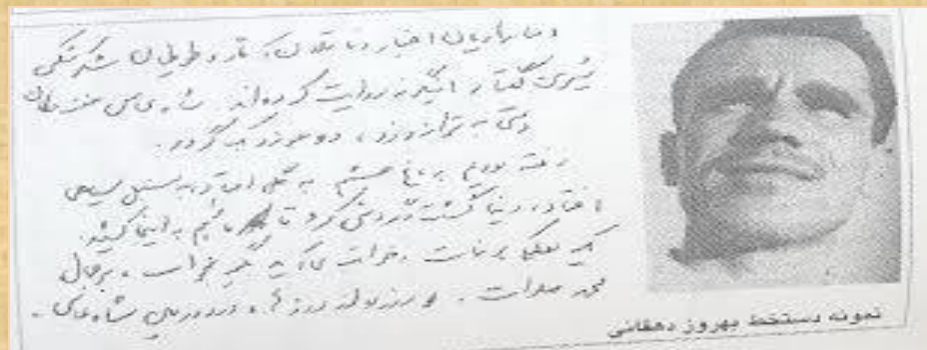
در فاصله سالهای ۴۲-۱۳۳۹ آشکار گشتن عدم کارایی مبارزات قانونی و مسالمت آمیز علنی با شعارهای توهم آمیزی چون استقرار حکومت قانونی و انتخابات آزاد که جبهه ملی به مثابه یک تشکل ملی بورژوازی و سازمانهای خرده بورژوازی وابسته به آن خود را در آنها محصور ساخته بودند، تجارب تلخ و منفی ولی در عین حال گرانبهائی برای بهروز و روشنفکران صدیقی چون او در سراسر ایران به جای گذاشت. ثابت شد که در شرایط سلطه امپریالیسم در ایران که الزاماً با حاکمیت دیکتاتوری عنان گسیخته عجین می‌باشد، چنین شکل‌هایی از مبارزه نمی‌توانند نتیجه‌ای جز آنچه حاصل شد یعنی شکست مبارزات کارگران و توده‌های زحمتکش و سرکوب و دستگیری مبارزین در برداشته باشند. در رابطه با این مقطع از تاریخ مبارزاتی مردم ایران، رفیق مسعود احمدزاده، تئوریسین کبیر چریکهای فدائی خلق ایران در کتاب "مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تا تکیه" نوشته است: "این مبارزات هم که بطور کلی در چهارچوب شعارهای از کار افتاده‌ای چون استقرار حکومت قانونی و انتخابات آزاد، و شیوه‌های فلج‌کننده مبارزه محدود بودند، در برابر دشمن که فقط زبان زور را می‌فهمید و متکی بر سرنیزه بود نتوانستند کاری از پیش ببرند. هیولای سنگین سرنیزه دوباره همه جا را زیر سلطه خود گرفت. اما شرایط جدید، یک

(ادامه در صفحه ۱۴)

اشرف دهقانی

به یاد گرامی بهروز دهقانی که در پیوند اندیشه و عمل

صمیمی بود! (۱۶)



به نفع اربابان فئودال با اصلاحات ارضی شاه مخالف است، نادیده گرفته شود. همچنین مخالفت با نفس حق رأی زنان و ابراز نظرانی ارتجاعی در رابطه با زنان توسط خمینی، در آن مقطع مورد توجه عموم قرار نگرفت و این امور نیز در سایه نفرت شدید مردم از دیکتاتوری شاه و مشاهده ایستادگی خمینی در مقابل آن، پوشیده ماند (همچنان که امروز هم افرادی به صرف اعتراض و مبارزه علیه دیکتاتوری جمهوری اسلامی و یا حتی جلوه‌هایی از این دیکتاتوری، در نزد قشرهایی از مردم، مورد تعریف و تمجید قرار می‌گیرند- بدون آن که توجه شود که آنها به جای آنچه نفی می‌کنند چه می‌گذارند و آیا نافی سیستم سرمایه‌داری هم در ایران هستند یا نه!)

در جریان سرکوب وحشیانه مبارزات افشار خرده‌بورژوازی شهری در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، بسیاری از مردمان زحمتکش که حتی رهگذر نیز بودند مورد آماج گلوله‌های مسلسل‌های مأموران سرکوبگر رژیم شاه واقع شدند. جای تردید نیست که صحنه‌هایی از چنان وقایع خونین را بهروز یا خود به چشم دیده و یا از زبان شاهدان عینی مستقماً شنیده بود. نمونه زیر که مربوط به واقعه‌ای از ۱۵ خرداد ۴۲ در تهران می‌باشد را عیناً از کتاب "بذرهای ماندگار" که توسط من در فروردین ۱۳۸۵ (آوریل ۲۰۰۵) نوشته شده نقل می‌کنم: (توضیح ۶ صفحه ۱۴۱)، "در خاطرات زندگی من، تصویر مادری قرار دارد که بغض شدید کینه، گلویش را می‌فشارد ولی به خود فشار می‌آورد که آن را قورت دهد و می‌کوشد تا نگذارد که اشک‌هایش سرازیر شوند. او به حالت درگوشی یا مادر من صحبت می‌کند و هر دو مرتباً آشفته‌تر می‌شوند. این صحنه را، من، در یک حمام عمومی در تبریز که با مادرم به آنجا رفته بودم، شاهد بودم. آنها، توجهی به من نداشتند؛ ولی من به حرف‌هایشان گوش می‌دادم و توانستم علت آن غم و آشفته‌گی و ناراحتی را متوجه شوم.

از وقایع مهم سالهای یادشده که توضیح‌گر حرکت‌های عملی بعدی بهروز و یارانش می‌باشند قبل از همه باید به تحول مهم ایجادشده در ساختار اقتصادی- اجتماعی ایران اشاره کرد که در سال ۱۳۴۱ به عنوان "انقلاب سفید" با رکن اساسی‌اش "اصلاحات ارضی"، شناخته شد. با آن "اصلاحات"، سیستم سرمایه‌داری وابسته که از دیرباز با نفوذ امپریالیسم در ایران به ضرر سرمایه‌داری خود کشور (سرمایه‌داری ملی) به تدریج رشد کرده بود، به سیستم حاکم در جامعه ما تبدیل گشت و بر این اساس، نفوذ سرمایه‌های امپریالیستی آهنگ و وسعت هرچه بیشتری در ایران پیدا نمود و حتی به دورترین دهات نیز گسترش یافت. در ضمن در طی این دوره، مبارزات توده‌های تحت ستم ایران که اوج تازه‌ای یافته بود در فقدان یک رهبری کمونیستی در جامعه، یکی پس از دیگری سرکوب و به شکست کشیده می‌شدند. به طور برجسته، در ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ تظاهرات اعتراضی قشرهایی از خرده‌بورژوازی شهری (دکانداران و بازاری‌ها) که تحت ستم رژیم دیکتاتور شاه قرار داشتند با سرکوب خونین مأموران رژیم مواجه شد. در اینجا اشاره‌وار یادآور شوم که در این مقطع بود که خمینی به دلیل حمایت از آن مبارزه و یا در واقع سوءاستفاده از آن مبارزه و کوشش برای سوار شدن بر موج آن (به همانگونه که امروز مرتجعین و اصلاح‌طلبان غیرحکومتی چنین می‌کنند) با در نظر داشتن این واقعیت که وی قاطعانه در مقابل دیکتاتوری شاه ایستاد و سخنان درشتی علیه شاه زد (به همانگونه که امروز نیز این یا آن فرد فرصت‌طلب و حتی مرتجع در پوشش فعال به اصطلاح مدنی ممکن است سخنان ظاهراً تند و باورنکردنی! علیه خامنه‌ای بزند) نامش در میان بخش‌هایی از مردم آن دوره به عنوان فردی مبارز و ضد دیکتاتور مطرح شد. خمینی مخالف اصلاحات ارضی شاه بود ولی مخالفت لفظی او با دیکتاتوری شاه که مردم ایران خود را اسیر و در بند آن می‌دیدند، باعث شد که این امر که وی از موضع کاملاً ارتجاعی یعنی

گزارش تظاهرات در دفاع از قیام ستمدیدگان ایران

تورنتو - کانادا



روز یکشنبه ۱۷ نوامبر ۲۰۱۹، در حمایت از مبارزات و اعتراضات مردم بپاخاسته و در اعتراض به جنایات رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی علیه مردم رنج دیده ایران، تظاهراتی در "پلازای ایرانیان" در شهر تورنتو (کانادا) برگزار گردید. فعالین چریکهای فدایی خلق ایران در تورنتو، از قبل جهت این تظاهرات تدارک دیده و فراخوانی خطاب به ایرانیان مبارز مقیم تورنتو انتشار داده بودند. در این فراخوان از ایرانیان مبارز و آزادیخواه دعوت شده بود که با شرکت در این تظاهرات بکوشند تا دست در دست هم، فریاد آزادیخواهی طبقه کارگر و زحمتکشانشان ایران را به گوش مردم کانادا برسانند. این تظاهرات که از ساعت یک تا دو بعد از ظهر برگزار گردید با استقبال ایرانیان مقیم تورنتو مواجه شده و شور و شوقی که سردادن شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی توسط تظاهرکنندگان و سخنرانی های آن ها ایجاد کرده بود باعث شده بود تا تقریباً تمامی عابرین ایرانی، هر کدام به روشی، حمایت خود از تظاهرکنندگان و مردم آزادیخواه ایران را اعلام کنند. در طول این تظاهرات، جدا از سخنرانی هایی که در حمایت از قیام مردم جان به لب رسیده انجام شد؛ شعارهایی همچون "مرگ بر خامنه‌ای"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "مرگ بر جمهوری اسلامی"، جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد" و ... به زبان های فارسی و انگلیسی بارها سر داده شدند. تجمع تظاهرکنندگان و شعار های آنان توجه عابرین غیر ایرانی را نیز به خود جلب کرده بود. به طوری که چند نفر از آنان در باره شعار های سر داده شده پرسش کرده و سپس حمایت خود از مبارزات انقلابی مردم ایران را اعلام می کردند. همچنین خبرنگاران و عکاس های حرفه‌ای از سوی برخی از رسانه‌های محلی به تهیه گزارش مصور از این تظاهرات پرداختند.

در جریان این تظاهرات سخنرانی های متعددی از سوی رفقای ما و سایر تظاهرکنندگان علیه سیاست های ضد خلقی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و در افشای جنایات آن علیه کارگران و خلقهای تحت

در صفحه ۳

کمک های مالی

آمریکا

ماهی سیاه کوچولو	۶۰۰ دلار
ماهی سیاه کوچولو	۱۴۰۰ دلار
کارگران هپکو	۱۰۰ دلار
میز کتاب نیویورک	۷۰ دلار
مادر سنجری	۱۰۰ دلار
چریک فدایی خلق بهروز دهقانی	۱۰۰ دلار
رفیق نصرت کریمی	۱۰۰ دلار
رفیق شهرام حسینیخانی	۱۰۰ دلار
چریک فدایی خلق مهرنوش ابراهیمی	۱۰۰ دلار

آلمان

کتاب نوارهای گفتگو بین دو سازمان	۱۵ یورو
شهرام خدا پناهی	۱۰۰ یورو
زیمبار	۱۰۰ یورو
کارگران اردبیل	۲۰ یورو
رفیق راه کیست ؟	۲۰ یورو
سالگرد رد تئوری بقاء	۲۰ یورو

انگلستان

چریک فدایی خلق رفیق خشایار سنجری	۱۰ پوند
مادر انقلابی روح انگیز دهقانی	۱۰ پوند
چریک فدایی خلق رفیق اشرف	۱۰ پوند
به یاد جانبختگان آبان ماه	۲۰ پوند
رفیق اردشیر پورسرتیپ	۱۰ پوند

ادامه در صفحه ۱۲

آدرس پست الکترونیک

E-mail: ipfg@hotmail.com

فیس بوک سازمان

SiahkalFadaee

کانال تلگرام

@BazrhayeMandegar

اینستاگرام

BazrhayeMandegar

برای تماس با

چریکهای فدایی خلق ایران

با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM BOX 5051
LONDON WC1N 3XX
ENGLAND

"پیام فدایی" بر روی شبکه اینترنت

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران

در اینترنت دیدن کنید:

www.siahkal.com

از صفحه رفیق اشرف دهقانی

در اینترنت دیدن کنید:

www.ashrafdehghani.com

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق به رهبری طبقه کارگر!